

دوره ششم تقنینیه

مذاکرات مجلس

شماره

۱۵۶

جلسه

۱۹۱

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه سه شنبه ۱۹

دیماه ۱۳۰۶

مطابق ۱۶ رجب المرجب

۱۳۰۶

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمت اشتراك

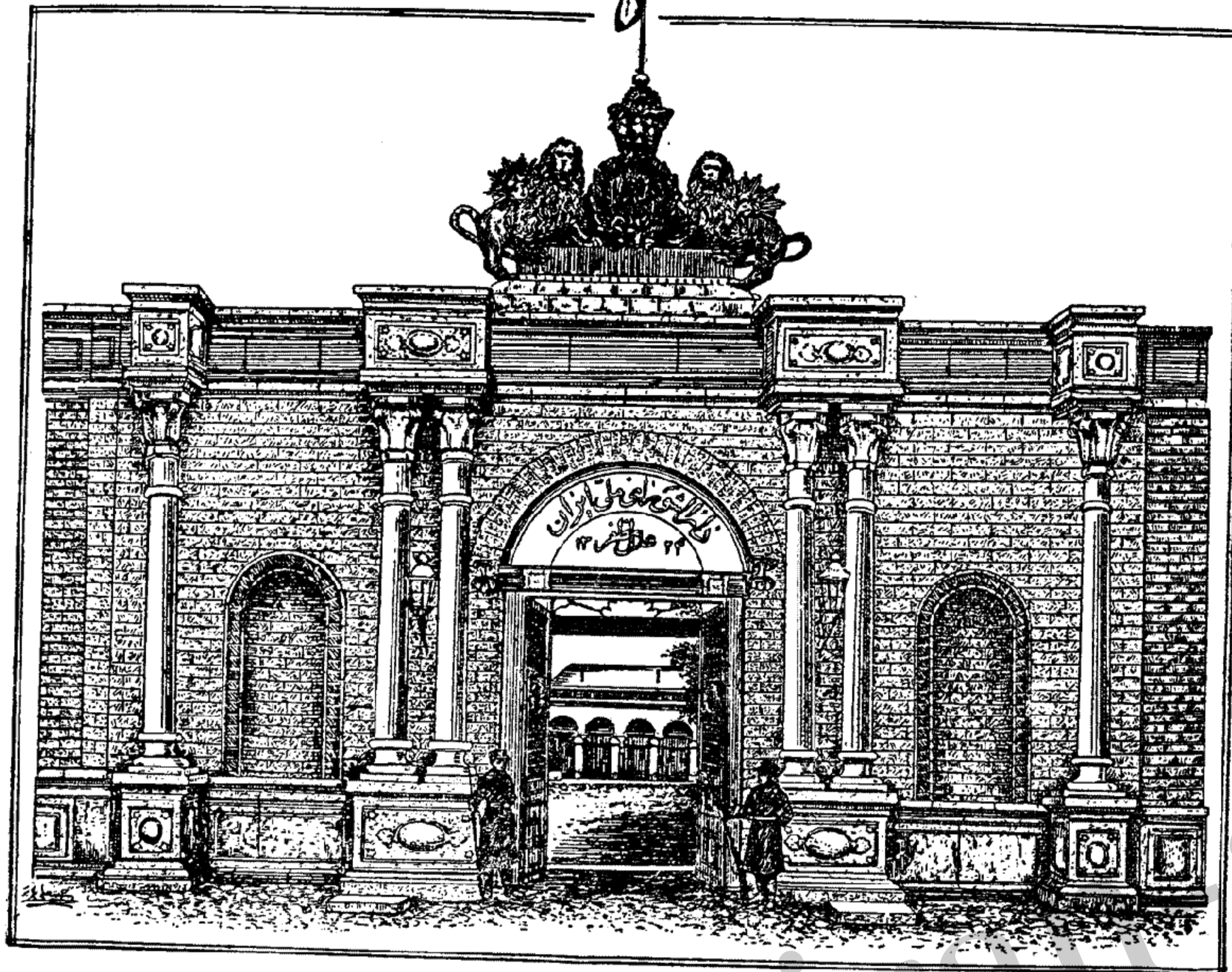
داخله ایران سالیانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان

قیمت تک شماره

یک قران

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۱۹ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۶ رجب المرجب ۱۳۴۶

جلسه ۱۹۱

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا
تشکیل گردید)
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
(صورت مجلس یوم یکشنبه ۱۷ دیماه
قرائت شد)
آقا سید یعقوب - اینجا در صورت جلسه که خوانده
شد اسم غائبین خوانده نشد ...

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تقدیم طرح قانونی راجع به پوشاندن روی نهر های استراباد از طرف آقای معتمد استرابادی و تقاضای يك فوریت آن	۲۱۳۳	۲۱۳۴
۲	شور اول نسبت بخر کمیسیون قوانین مالیه راجع به ناکس بندری و ختم آن	۲۱۳۵	۲۱۴۹
۳	مذاکره نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به اضافه حقوق متخصص بانک ملی و نصوب آن	۲۱۴۹	۲۱۵۷
۴	نصوب مرخصی آقایان ذوالقدر - قوام - امیر اسدالله خان	۲۱۵۷	۲۱۵۸
۵	قانون هشت هزار تومان اعتبار اضافی جهت حقوق متخصص بانک ملی	۲۱۵۸	

نگهبان منشی - حالا آوردند

آقا سید یعقوب - پس بخوانند. نخواندند خواستم تذکر بدهم

رئیس - چون دیر رسیده است در جلسه دیگر قرائت می شود.

رئیس - صورت مجلس اعتراضی ندارد؟

(گفته شد - خیر)

جمعی از نمایندگان دستور

رئیس - وارد دستور شویم؟

(گفته شد: بلی)

رئیس - دستور: اول لایحه حق بندریست بعد لایحه

بانک داخلی، آقای میرزا عبدالحسین کرمانی پیشنهاد کرده اند که بودجه مملکتی مطرح شود. بفرمائید

میرزا عبدالحسین - بنده تعجب میکنم با آن حرارت فوق العاده که آقایان نمایندگان نسبت به بودجه مملکتی داشتند که حتی يك روز بر جلسات مجلس افزودند بلکه بعضی پیشنهاد کردند که دو روز اختصاص داده شود به بودجه مملکتی حالا بکلی ساکت و خاموش شده اند و هیچ اسمی از بودجه مملکتی نیست دو ماه هم بیشتر باخر سال نمانده است فرداست که وزیر محترم مالیه دودوازد هم دیگر خواهند آورد برای آنکه ادارات معطل نمانند این است که من پیشنهاد کردم که بودجه مملکتی که اصولاً ما موظف هستیم بنظارت دخل و خرج مملکتی مطرح شود این است که از آقایان تقاضا میکنم موافقت بفرمایند جزء دستور شود

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

رفیع - بنده هم موافقم با آقا که اغلب آقایان برای مطرح کردن بودجه مملکتی مصرند و علاقه دارند و همین ملاحظه هم يك روز علاوه کردند ولی اتفاقاً ما يك کارهای مهمی پیدا میکنیم که اگر آن کارها را نگذرانیم بالاخره يك محل صالحی نیست که آن کارها را

بگذرانند بارها در بنسدر معطل میماند برای گمرک. اینها مطالبی است که بالاخره باید بگذرد ما بودجه مملکتی را بخواهیم مطرح کنیم دو جلسه سه جلسه و پنج جلسه که تمام نمیشود ده جلسه یکماه دو ماه بالاخره وقت لازم دارد و طول میکشد و این مسائل معطل میماند آقا ما موافقت بفرمایند در ظرف چند دقیقه اینرا بگذرانیم بعد داخل آن مطلب شویم

میرزا عبدالحسین - بسیار خوب

رئیس - پس گرفتید آقا

میرزا عبدالحسین - بلی

رئیس - آقای استرآبادی

استرآبادی - یکی از اصول مسلمه که تمام عقلاي عالم متفقند اینست که حیات و زندگانی بشر بسته بآب است و من الماء کل شیء حی شهر استرآباد که تقریباً بیست و پنج هزار جمعیت دارد آب مشروبش منحصر است به رودخانه که خواجه مظفر مرحوم وقف کرده و آن آب از جبال جنوبی حرکت میکند میاید نزدیک شهر سه فرسخی از جمله از زیارت خاصه رود که یکی از دهات خالصه است عبور میکند بدبختانه تمام کشفات این ده که زیارت خاصه رود باشد داخل این آب میشود و این آب میاید بشهر استرآباد و از تمام خانهای شهر استرآباد عبور میکند و حقیقه مکنت رسمی تمام اهالی شهر استرآباد این آبست و ازین جهت میتوانم عرض کنم چهار خمس اهالی شهر استرآباد مبتلا بامراض مسریه و گرفتار انواع و اقسام امراض هستند آقای رئیس کل صحیه که محل اطمینان همه آقایان نمایندگان هستند و حقیقه يك خدمات بزرگی کرده اند با آقای دکتر سنگ درین مسافرت اخیر با استرآبادشان يك مشاهداتی کرده اند استدعا میکنم اجازه بفرمائید که این شرحی که رئیس صحیه ببنده نوشته اند بخوانم خطاب ببنده است «درین وقت که از مازندران و استرآباد مراجعت مینماید لازم است مختصری از مشاهدات خود را در قسمت ...

رئیس - راجع بدستور است

استرآبادی - بلی، چون يك طرح قانونیست راجع بآب استرآباد که پنجاه و دو نفر از آقایان امضاء کرده اند میخواهم تقاضا کنم که امروز مطرح شود، «در قسمت امور صحی اهالی استرآباد برای مزید آگاهی خاطر محترم عرض و اظهار نماید مرض مالاریا و سایر امراض و انواع امراض تناسلی طوری شایع است که چنانچه قویاً اقدام بجلوگیری آن نشود در آتیة نزدیک عمومیت پیدا کرده سکنه را از بین برده و نسل آتیة را دچار زحمت خواهد نمود بعقیده ارادتمند اول وسیله علاج و جلوگیری از سرایت پوشاندن روی تمام مجاری آبست ...» تا آخر، اینجا يك طرحی از طرف پنجاه و دو نفر از آقایان نمایندگان که حقیقه منت بینده و تمام اهالی استرآباد گذاشته اند برای حفظ حیات بیست و پنج هزار نفر جمعیت و نسل آتیة آنها تقدیم کرده اند که يك مبلغی که تقریباً در حدود بیست و پنج هزار تومان است برای پوشانیدن روی نهرهای استرآباد تخصیص داده شود چون جنبه مالی داشت بعضی آقایان همچو صلاح دیدند که با آقای وزیر مالیه هم مذاکره شود بنده با آقای وزیر مالیه هم مذاکره کردم يك هفته هم همین طرح قانونی خدمت آقای وزیر مالیه بود و ایشان هم موافقت کردند منتهی بنده از اضافات هزار و سیصد و پنج در نظر گرفته بودم ایشان ازین قسمت گفتند نمیتوانیم ولی از عملهای دیگر آقای وزیر مالیه تعهد کردند که این وجه را بپردازند، خواستم استدعا کنم از نمایندگان محترم بنام حفظ بیست و پنج هزار نفر جمعیت و نسل آتیة آنها چون در لایحه تقاضای يك فوریت شده امروز مطرح بفرمایند و فوریتش را تصویب کنند البته باز کمیسیون مبرود و کمیسیون هم نظریات خودش را خواهد کرد تا بعد که از کمیسیون بیاید انشاء الله بهمت آقایان بلکه اهالی استرآباد ازین بلای عمومی که مبتلی هستند آسوده بشوند اینست که طرح

را تقدیم میکنم

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع - مسئله حفظ الصحه يك مسئله است که همه آقایان در ولایات آن طوریکه باید مبتلا باشند هستند و يك مخارج زیادی دارد مدهاست که اهالی استرآباد بحمدالله بخوشی گذرانده اند بعد هم میگذرانند ما هم موافقیم که روی تمام رودخانه در تمام شهرها پوشیده شود حتی در شهر طهران هم، ولی بنده میخواستم خدمت آقا عرض کنم که این لایحه بندری مسئله مهمی است که ماهها است معطل است و دولت تکلیف خودش را نمیداند و دولت بر همه کارهای خودش مقدم داشت آورد مجلس و این را پیشنهاد کرد که بگذرد موافقت بفرمائید که این طرح بماند انشاء الله در وقتی که بودجه مملکتی مطرحست قبل از آن میآئیم با آقا موافقت میکنیم بعد داخل بودجه میشود.

رئیس - آقای استرآبادی

استرآبادی - عرض کنم که چون فقط تقاضای يك فوریت شده گمان نمیکنم سه چهار دقیقه بیشتر طول بکشد و همین قدر لازم است که فوریتش تصویب شود و به کمیسیون برود اگر بیشتر طول میکشید بنده موافقت میکردم ولی چون سه چهار دقیقه است اهمیت ندارد.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای استرآبادی را تصویب میکنند قیام فرمایند (جمعی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد، پیشنهاد آقای کازرونی

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم راپرت راجع بطرح معافیت اهالی میناب در اول مرتبه مطرح شود

کازرونی - راپرت راجع بطرح قانونی در باب معافیت اهالی میناب تقریباً در دو ماه و نیم قبل طبع و نشر شده است لیکن نظر باینکه با دولت مذاکره و جلب

نظرش نشده بود دو مرتبه تجدید نظر شد و طول کشید در یکی دو جلسه پیش بنده استدعا کردم که جزو دستور شود آقایان اظهار کردند که چون يك لايجه مهمی جزو دستور است باید برای بعد حالا عرض میکنم که چون يك ماده بیشتر نیست و محققاً بعد از آنکه مطرح شد باید برگردد بکمیسیون بودجه آقایان خواست موافقت بفرمایند در این موقع سال مطرح بشود و برود بکمیسیون بودجه استدعا می کنم مخالفی در این باب نشود

رئیس -- آقای روحی

روحی -- نماینده محترم مسبوق هستند حالا که دولت احتیاج دارد باین لايجه که راجع بقسمت بندر است جزء دستور باشد و همینطور چند فقره پیشنهاد شد و دسته موافقین دولت موافقت نکردند جناب عالی موافقت کنید که این لايجه بگذرد بعد بنده هم باشما موافقت میکنم

رئیس -- آقایانیکه بایدشهاد آقای کازرونی موافقت قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

رئیس -- تصویب نشد. لايجه بندری مطرح است.

مذاکرات راجع بکلیات است آقای رفیع

رفیع -- موافقم

رئیس -- آقای روحی

خطیبی -- آقا بفرمائید قرائت کنند

رئیس -- طبع شده است آقا

روحی -- بنده در اصل لايجه بطور کلی مخالفی ندارم ولی استفاده میکنم از موقع و چون آقای کفیل محترم وزارت خارجه هم تشریف دارند لازمست بعضی عریاض برای استحضار خاطرشان که واقعاً بدانند در امور این مملکت ما هم بيك مسائلی اهمیت میدهیم عرض بکنم : اولین روزی است که بنده در مجلس میشنوم که اسمی

از زندگی ساحلی و بندری اینجا برده میشود خیلی تعجب میکنم با این همه بودجه هائی که برای این مملکت می آورند میگذرانند اعم از اینکه اینها محل احتیاج مملکت هست یا نیست يك قلم برای خریدن يك کشتی و ساختن يك بندر گاه ما در تمام این ادوار پارلمان و مجلسیان در بودجه ندیدیم و حقیقه از برای يك مملکت که از چندین طرف بدریا استیلا دارد و زندگی بحری رادر آتیه میخواهد بجد کمال داشته باشد خیلی باعث تأسف است که تا این تاریخ بنام زندگان ساحلی و دریائی يك رقم ذکر نشده است و من بنوبه خودم حقیقه از این قضیه متأسفم و باید دولت متوجه باشد که ما حق داریم زندگان بحریمان را توسعه بدهیم ما الان نصف دریای خزر را مالکیم ولی متأسفانه يك کشتی در آنجا نداریم و بالاخره ما هم باید يك روزی سیادت بحریمان چنانکه در قدیم الایام در مرحله اول قرار گرفته بوده است ما هم نیگوئیم مثل دول دیگر باشد اما اقلادارای زندگان بحری باشیم یکی دیگر عرض بنده (که این مورد از آن مسائل است که خیلی لازم میدانم توجه آقای کفیل محترم وزارت خارجه را بآن جلب کنم) مسئله معامله متقابله با اتباع خارجه است و البته يك قسمتی را درین موقع بنده میتوانم عرض کنم : ایران ازین حیث خیلی غفلت میکند و مخصوصاً بنده مسئول وزارت خارجه را میدانم که چرا تا این پایه غفلت را روا داشته اند يك نفر تبعه ایران که در هر نقطه خارجه بخواد زندگی کند بعد از هزار جور قید و شرط و الزاماتی که باید بپلیس بدهد و مراقبتهائی که بشود سالی يك مبلغی بعنوان حق اقامت از او بگیرند در صورتی که مملکت ما چهار دروازه اش باز است هر کس میخواهد میآید تجارت میکند کسب میکند هر کاری دلش میخواهد میکند و میرود و میآید ابداً با او توجهی نمیشود خیلی باعث تأسف است ، ما هم باید يك روزی در مقابل دنیا معامله متقابله را عمل کنیم ما هم باید تذکره را همان طور بازده روزی

همیشه اعضاء نکنیم و ملزم بکنیم هر کس که آمد سر بازده روز از سرحد ما خارج شود ما هم باید اجازه بدهیم هر کس بی بند و قیدی تجارت بکند اینجا و سرمایه مملکت ما را بر دارد ببرد بی اینکه يك قران بمملکت ما و بیت المال ما حق بدهد بکنفر تبعه ایران را شما ببینید امروز در لندن در برلن حتی در اسلامبول هر جای دنیا بخواد اقامت کند يك مبلغی در سال از او حق میگیرند يك ناچر ایرانی که بخواد يك جائی بخواند باز کند هزار نوع باید الزامات بدهد و تعهدات بکند مقررات را تعهد بکند ولی درین مملکت هر کس می آید تجارت بکند مغازه باز کند هیچ کس بفکر نیست حتی مراقبتهای پلیس هم در باره او بعمل نیاید و این برای مملکت ما يك چیز باعث تأسف و بلکه خجالت آوراست من تقاضا میکنم که اگر این مسئله را میتوانند خودشان در این مورد اقدام کنند بکنند اگر نمیتوانند يك لايجه باید تهیه کنند بیاورند ما هم بالاخره باید بنام معامله متقابله بحکم آنکه استقلال داریم ملیت داریم مملکت داریم با اتباع سایر ممالک دنیا بالتساوی رفتار کنیم باید همان حقوقی که از تبعه مملکت ما در خارجه میگیرند ما هم از آنها در اینجا بگیریم این غفلت از چه جهت است من تا بحال هم عرض کرده ام تقاضا میکنم توجه بکنند و نسبت با اتباع خارجه هم که در این مملکت هستند همان قیوداتی که در خارجه برای اتباع این مملکت هست مقرر بدارند و راضی نشوند حقیقه يك لطمه ای بمملکت و ملت ما وارد بیاید دیگر هم عرضی ندارم باصل لايجه هم موافقم

مدرس -- لايجه را بخوانند بفهمیم

کفیل وزارت خارجه -- عرض کنم راجع بخريدن کشتی دولت يك نظریاتی دارد و در بودجه هزار و سیصد و هفتاد و هشتاد يك اعتباراتی پیش بینی شده است و بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد و در باب معامله متقابله نسبت بيك قسمت هائی مثل نسبت به تذکره حالا هم

معامله متقابله میشود. در باب قسمت های دیگر هم يك کمیسیون هائی هم تشکیل شده است و يك مطالعاتی می شود و البته نتیجه مطالعات بعرض مجلس خواهد رسید

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- موافقم

رئیس -- آقای کازرونی -- بنده اصولاً موافقم که دولت در تمام بنادر مهمه يك برتهائی تاسیس بکنند یعنی موجبات تسهیل پیاده کردن اموال و باز کردن اموال را فراهم بکنند و در مقابلش هم تناسب مخارجی که کرده است بيك حقوقی از مال التجاره ها بگیرد و این مسئله یکی از امور فوق العاده مهم است و بيك اثرات فوق العاده مهمی هم در امور تجارتي دارد در این مسئله هیچ شك و شبهه نیست لکن آنچه من اطلاع دارم در ایران سوای پرت اترلی برتی بنده سراغ ندارم که دولت در اینجا بواسطه مخارج و بواسطه مؤسساتی که شده باشد حق اخذ وجهی داشته باشد لکن عبارت طوری اینجا نوشته شده که ممکن است بعد از این در تمام بنادر اعم از اینکه تاسیساتی که واقعاً منظور نظر آقایان است شده باشد یا نشده باشد همین حقوق را بگیرند مثلاً تاسیساتی شده باشد ممکن است بيك پانصد تومان خرج کرده بيك مقداری خاک و سنگ جمع کرده جلو گمرک مثل اینکه در بوشهر و بعضی نقاط دیگر هست همین دستاویز که چون ما تهیه موجبات تسهیل کرده ایم همین را مدرک و مستند قرار بدهند و این حقوق را بگیرند و این هم جزء مالیات عمومی مملکت بشود بدون اینکه فکراین باشند که اسباب تسهیل پیاده کردن اموال را فراهم کنند مقصود از تسهیل اینست که جلو دریا را طوری خالی بکنند که کشتیهای بارکش بتوانند بیامند و وصل شوند بفرودگاه اموال و این فقط در اترلی هست و بس مثلاً بوشهر ما یکی از بنادر مهمه خلیج فارس است کشتیهایش در سه فرسخی و دو فرسخی و بيك فرسخی می ایستند نمیتوانند نزدیک

بیایند چرا؟ در بین راه يك كوه ، يك تل کوچکی توی دریا هست که اگر آن را تسویه بکنند بردارند یا صد هزار تومان ممکن است دولت در سالی دو صد هزار تومان فایده ببرد در صورتی که سالی هشتصد هزار تومان هم فایده عاید مردم بشود لکن بنده اطمینان دارم اگر لایحه بهمین حالی که هست بگذرد آنجا درست نمی شود همین پولی هم که نوشته شده خواهند گرفت بنده چیزی را که استدعا دارم اینست که مخبر محترم بمن بگویند کجا پرت هست که استحقاق گرفتن این پول را دارد و بعد از این بنده هم موافقم در تمام بنادر يك مؤسسه است بشود و با تناسب مخارج پوهائی هم گرفته بشود اما بطور عموم و اطلاق این لایحه را بگذرانیم شما بدانید این هم يك مالیات فوق العاده بزرگی است که در تحت این عنوان از مردم گرفته خواهد شد

فهمی مخبر - فرمایشات آقای کازرونی تقریباً راجع ماده اول بود ماده اول تصریح کرده است «در بنادر و لنگرگاههای که برای تسهیل کشتی رانی تهیه موجبات امنیت جهازات و تسریع بارگیری و پیاده کردن اجناس و مسافرین تأسیساتی شده باشد» بنا بر این يك گوشه رود خانه یا دریا را يك قدری صاف کردن مشمول این قانون نمیشود بخصوص در ماده آخر که ملاحظه فرمائید که کشتیهای چهار طنی (دوازده خرواری) را معاف کرده است رودخانههای بزرگ حتی اسکله های کوچکی که می بندند آنها کلیه مستثنی خواهد بود و این قانون همان طور که فرمود شامل میشود پرتیهای را که با يك اصول علمی تأسیسات کاملی در آن شده باشد مثل بندر فعلی پهلوی و فعلاً هم بغیر از بندر پهلوی ما پرت دیگری ساخته نداریم که از آنها حقی گرفته شود و اینکه فرمودند این مالیات میشود این را هم باید بدانند که بنادری را که دولت در دریا میسازد هیچ وقت برای استفاده نقدی نمیسازد برای استفاده تجار نیست چنانکه در این قانون ملاحظه فرمائید حد اعلائی تا کس را طوری قرار داده اند

بودجه پرت را آوردند اینجا باید صحبت کرد فعلاً آنچه که بنده ملاحظه میکنم لایحه دخل است و يك مسائلی که جزئی است ما نباید با فشاری کنیم که این لایحه را معطل کنیم پرت انزلی (پهلوی) را هم که بدستمان آمده است باید اداره کنیم

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده عرضی ندارم اجازه میخواهم که در ماده اول عرضم را بکنم

رئیس - آقایان که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد رای گرفته میشود بشور در مواد آقایان موافقین قیام فرمایند

(جمع کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد تکلیف اینکه یکشور است یادو شور است باید معین شود

بعضی از نمایندگان - دو شور است

رئیس - بلی دو شور است مخالفی که ندارد

(گفته شد خیر)

رئیس - ماده اول قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

ماده اول - در بنادر و لنگرگاههای که برای تسهیل کشتی رانی و تهیه موجبات امنیت جهازات و تسریع بارگیری و پیاده کردن اجناس و مسافرین تأسیساتی شده باشد یا بشود برای هر یکصد من اجناس که بارگیری یا از کشتی خارج میشود تا کسی که حد اعلائی آن از سه قران تجاوز نماید بعنوان عوارض بندری مأخوذ خواهد گردید

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - هر چند توضیحاتی را که آقای مخبر محترم

دادند تا اندازه اطمینان بخش بود لکن نظر باینکه بنده نظر بسوابق و سوء استفاده هائی که از قوانین موضوعه شده میکنم لازم میدانم که درین موضوع بیشتر صحبت بدارم بنده در اینجا برخلاف نظریه حضرت آقای آقا سید یعقوب که فرمودند چندان مهم نیست عرض میکنم یکی از قوانین فوق العاده مهم است که باید با نهایت دقت تدوین شود چون این يك قسمتش مربوط بکشتیهای خارجی است و همچنین راجع است بباب و ذهاب مال التجاره اینطور که تصور میفرمائید يك قانون سهل و ساده نیست و خیلی باید درش دقت شود در اینجا اگر چنانچه (باز تکرار میکنم عرایض خودم را) باطلاق عبارت ما نخواهیم نظر کنیم میگوید در بنادری که تأسیسات هست ، اما چه تأسیساتی هست ؟ تأسیسات نظیر پرت انزلی ، در تمام ایران يك جائی ، يك محلی ، که از روی علم يك تأسیساتی شده منحصرأ پرت انزلیست لا غیر اما در سایر بنادر آمده اند يك پرتیهای تأسیس کرده اند يك مخارج مختصری کرده اند برای تسهیل ایاب و ذهاب کشتیها اما چه کشتیهای ؟ کشتیهای باری ، اطمینانی که آقای مخبر محترم دادند (و استدعا میکنم که توجهی فرمائید) اینست که آنجا ما استثنائی کرده ایم که مقدار چهار تن بارگیری کشتی باری مستثنی است در صورتیکه چهار تن که تقریباً هزار و دویست و سیصد من است یکی از این کرجیهای بارکش ممکنست حمل بکنند کشتی که مبرود و بار های ده هزار طنی را کم کم میتواند از کشتیهای بزرگ پیاده کند شما از برای بارگیری در نظر گرفته اید چهار تن است شاید پنج تن شده شاید شش تن شد شاید ده تن شد همین کشتی بادی کوچک که بار از کشتی بزرگ پیاده کرده شما چهار تن برایش قائل شده اید آن وقت هم چه اسباب زحمتی ایجاد خواهد شد اصل مقصود را باید در این جا گنجانند که آن مؤسسه که تسهیل بکنند که کشتیهای بخاری بتوانند بنگر گاه داخل بشوند آنها باید این مبلغ را بدهند اصلاً مقصود این است

سواى اینكه مقصودى نيست كشتيهاي بادی اعم از اينكه چهار تن بارگيري داشته باشد يا بيشتري يا كمتر كه جارى و معمول بوده بيايند زديك بندرگاه اينها را كه نبايد چيزى ازشان گرفت اگر تاسيساتى نشده باشد هم عرض كردم شامل تمام بنادر ايران ميشود از جمله مثلاً در بندر عباس يك يولى بالغ بر سي و شش هزار تومان متعلق بخود نجار بوده با كمرك يك سازشى كردند (يعنى متعلق ببلديه بوده از محل خيرات و مبرات كه مردم داده بودند) يك بند وبستي كردند با كمرك كه تاسيس يك پرتى بكنند كه كشتى ها و جهازات بتوانند زديك بيايند و از مال التجاره ها يك مبلغى بگيرد عايندى آن ببلديه داده شود آمده است يك چهار پنج هزار تومان در مقابل آن سي و شش هزار تومان خرج کرده اند والان آن پول را دارند از نجار ميگيرند و آن نجار فرياد ميكند كه اين مؤسسات شما مفيد بحال ما كه نيست هيچ حقي كشتي بادی هم زديك آنها نمیتواند برسد ميگویند مؤسسات کرده ايم كسى هم بفرياد آنها رسيدگي نميكنند عرض بنده اين است كه مثل ساير قوانين از قبيل تخديد زياد و قانون روده و ساير قوانين كه آن جنبه فني و صلاحش از نظر دور شد و جنبه مالش منظور شد اين قانون هم آن طور نشود.

رئيس -- آقای ياسائی

ياسائی -- فرمايشان كه آقای كازرون فرمودند تقريباً تکرار فرمايشان بود كه قبلاً اظهار كردند و آقای مخبر محترم هم جواب دادند بالاخره ما اگر بخواهييم باسم بندر بهلوی قانون بنويسيم تصديق بفرمائيد كه خوب نيست يك قانونی فقط برای بندر بهلوی بنويسيم درين قانون مخصوصاً تصريح شده است كه اگر دولت در بنادر مؤسساتی داشت مخارجي کرده بود موجبات تسهيل حمل و نقل بارهای كشتيهي را فراهم کرده بود از هر يكصد من سه قران بگيرد البته اگر يك جائي مؤسساتی کرده بودند خواهند گرفت اگر نبود نميگيرند ممكن است برای

توضيح مطلب و اطمینان خاطر شما يك پيشنهادهای بكنيد كه هر جا دولت مؤسساتی ندارد حق ندارد بگيرد مفاد ماده اول اينست اما اينكه فرموديد كشتيهائي كه چهار تن بارگيري بيشتري دارد صدم من سه قران زيادتر ازش گرفته ميشده بنده درين قسمت اينقدرها تفاوتی نمی بينم بنده عقیده ام اينست كه كلييه كشتيهائي كه بار وارد ميكنند بيشتري بايد صدم من سه قران برای اجرت عملي كه دولت در آن بندر کرده است و موجبات تسهيل فرود آوردن بار را درست کرده است بدهند ميخواهد چهارتن بار باشد ميخواهد صدم تن بارگيريش باشد حالا البته تصديق ميفرمائيد كه ممكن است يك كشتيهاي كوچكي را يك اشخاص بي بضاعتي و كم بضاعتي داشته باشند و خواسته اند يك ارفاقی بآنها شده باشد و الا در اصل مطلب تفاوت و تمايزی نميشود قائل شد و نظرياتي هم اگر داريد پيشنهادهای بكنيد كميسيون هم البته مطالعه ميكند چون شور اول است

رئيس -- آقای مدرس

مدرس -- در ماده دوم عرض دارم

رئيس -- آقای ضياء

ضياء -- در قسمت ماده اول يك مذاكراتی آقای كازرونی فرمودند و يك جوابهائي هم داده شد اما چون شور اول است و ممكن است يك پيشنهادهائي داد پيشنهادهي هم بنده خواهم داد اما چون در ماده اول در كليات ميشود صحبت كرد بنده راجع بيك قسمت از ماده دوم كه موضوع معافيت كشتي هاي جنگي خارجه است بطور كلي عرض كنم كه اين معافيت تقريباً فوق العاده است و شامل موافقي خواهد بود كه بطور فوق العاده قانون تصويب خواهد كرد و يا قانونی وضع شود و الا جهتي ندارد جهازات جنگي دول خارجه و ممالك خارجه حق ورود در آبهاي ايران داشته باشد هيمن طوري كه هيچ حقي برای آنها نيست كه وارد شوند و ورود آنها فرع بر يك قانون فوق العاده ايست كه بايد از تصويب

مجلس شورای ملی بگذرد هيمن طور هم معافيت آن كشتي ها در ضمن يكي از موادى است كه درج خواهد شد كه اجازه ورود بدهد اين است كه بهمين عنوانی كه ماده اول است و ممكن است در ماده اول در كليات صحبت كرد بنده اين قسمت را تذكردام كه فقط كشتيهاي جنگي دولت ايران و كشتيهاي كوچك بادی و كشتيهاي صعيه معاف باشند

فهيمنی مخبر -- در ماده دوم است

رئيس -- آقای آقا سيد يعقوب موافقيد ؟

آقا سيد يعقوب -- بلي اولاً آقای ضياء فرمودند كه شور در ماده اولست و ميشود در كليات مذاكره كرد اين مسئله كه ايشان فرمودند در ماده اول كه نيست بعلت اينكه ماده اول همانست كه آقای ياسائی اظهار كردند در واقع دولت يك خرج و يك تاسيساتى ميكند كه بار كشتيهاي حمل و نقل و مسافرين بسهولت بتوانند پياده شوند كسى كه در دريا سوار شده باشد ميداند كه اهميت لنگر گاهها چقدر است و چقدر اهميت متوجه بآن هست در يك سفرى بنده رفته بودم در باد كوبه چون در آنجا بريت بود پياده شديم ولی در بهلوی چون بريت نبود بهزار وحشت و اضطراب كه همه مان مي گفتيم كه اگر ترتيبی بود اينجا كه امنيت داشت حاضر بوديم نقری ده تومان بدهيم كه اين وحشت و اضطراب را نداشته باشيم پس تاسيس بريت و لنگر گاه ها مسلماً كار خويست و خيلى تاسيس بسيار نافعست و مسلم در ازاء هر تاسيسي بايد حقي گرفته شود اما در آن مسئله كه فرموديد گویا عبارت ماده خدمتتان نيست كه اجازه ورود بهمان معنی ميشود كه حضرت مستطاب عالی در نظر داريد كه اگر قانون در يك جائي اجازه بدهد مطابق قانون و از نقطه نظر قانون مقصود بوده است نه اينكه ما اجازه بدهيم كه كشتيهاي جنگي وارد سرحدات ما بشود برای ما مرك بهتر از اينست كه يك همچو اجازه قائل بشويم اما در مواردی كه

قانون اجازه بدهد وارد بشوند معاف هستند رئيس -- آقای احتشامزاده

احتشامزاده -- بنده كاملاً موافق هستم كه برای اصلاح بندر گاهها يك عوارضي وضع شود كه موجبات تسهيل ورود مال التجاره و امنيت جهازات تأمین شود ولی از نقطه نظر اينكه مسئله تعديل واردات و صادرات يكو از مسائل خيلى مهمست و هميشه بايستي نمايندگان محترم مسئله تعديل واردات و صادرات را مورد توجه خاص قرار بدهند و معتقدم كه هميشه بايستي برای صادرات مملكتي يك تسهيلات و معافيتهاي فوق العاده قائل بشويم تسهيل بكنيم صادرات را كه با تسهيل وسائل صادرات، نتوانيم واردات و صادرات خودمان را تعديل كنيم . بنده با آن قسمتی كه در اين خبر نوشته شده است كه از هر يك صدم من اجناس كه بارگيري شود يعنى اجناس كه از ايران خارج شود ماليات بر دارد مخالف هستم و معتقدم برای تسهيل صادرات مملكتي هميشه بايستي از هرگونه عوارض معاف بشود و در اينجا هم صادرات بايد معاف باشد

رئيس -- پيشنهادهای قرائت ميشود.....

فهيمنی -- اجازه ميفرمائيد؟ برای آنكه فرمايشات آقای احتشام زاده بلاجواب نماند لازم است عرض كنم اينجا موضوع مقابسه صادرات و واردات در بين نيست كشتی كه بار را حمل ميكند بايد يك حقي بدهد برای يك عملياتی كه از طرف دولت شده است كه سهل بتواند وارد يا خارج شود اگر مساعدت با اتباع داخله بخواهييم بكنيم بايد برعكس واردات را معاف كنيم چرا؟ برای اينكه واردات می آيد در مملكت و صادرات با كشتی خارج می شود و اين كمكی به صادرات نيست كمكی است كه به كشتی خواهد شد . مثلاً چهار يادار را بگوئيم اگر مال التجاره صادر ببرد كرايه نگيرد ولی اگر وارد ميگرد كرايه بگيرد اين ربطی بصادرات و واردات ندارد اين راجع به معمول است و يكي هم فرمائيش آقای كازرونی

اینجا اشتباه نفرمایند اسکله با یرت دوتا است اینکه در سواحل جنوب بعضی جاها ملاحظه میفرمائید اشخاص يك جاهائی درست کرده اند و کشتی یا کرجی میآید آنجا می ایستد غیر از یرت است. یرت را که دولت میسازد در دریا برای اینکه آب جمع بشود و متفرق نباشد و کشتیها بسهولة بتوانند وارد بشوند و همیشه مراقب يك کردن آن باشد غیر از این است که اسکله نامیده میشود در بندر بهلوی هم اسکله هائی هست با اسم اشخاص برای اینکه کشتیها بیایند بایستند بارشان را بگیرند ولی هیچ عملیات علمی ندارند و در حقیقت يك ملك شخصی است و با کمپانیهای مخصوص هم يك قرارداد هائی دارند که همه کشتی های آنها بیاید بهلوی اسکله آنها بایستد و بار بگیرد. این مربوط به یرتی که از طرف دولت تأسیس میشود نیست همانطوریکه عرض کردم در حال فعلی ما هیچ یرت ساخته که تأسیساتی درش شده باشد غیر از بندر بهلوی نداریم که مشمول این قانون بشود.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده چون این را لایحه خرج میدانم و از روی يك اطلاعات سابقه تصور میکنم يك تخمیلی بر بودجه خواهد شد باین جهت مخالفت دارم با آقای وزیر مالیه هم يك مختصر مذاکره ای کردم بعضی اصلاحات را وعده دادند. عرض کنم که بندر بهلوی بیشتر این یرت را نداشت آن مرداب شن کشتی نشده بود کشتی ها دو فرسخ دو فرسخ و نیم دور می ایستادند و آنوقت بتوسط کرجی و کشتی های کوچک می آورند خرواری در نومان سه تومان آنوقت بتفاوت این کرجی بانهای ازلیچی میگرفتند روسها آمدند و با دولت مذاکره کردند که ما می آئیم اینجا را درست می کنیم یرت میسازیم شن کشتی می کنیم و يك حقی هم می گیریم. با تجار هم مذاکره کردند آنها دیدند تفاوتی برای آنها نیست برای اینکه این پولی را که میدهند که مال التجاره شان

را خرد خرد می آورند حالا مال التجاره شان بکمرنبه می آید کنار و برای آنها بهتر است قرار گذاشتند از هر پون شازده شاهي بگیرند مثلاً چهارده شاهي را خرجش کردند دوشاهی را هم بتدریج اضافه کردند برای مؤسسات خیریه خودشان پون شازده شاهي که میشود خرواری چهارده قران و دو عباسی که خرواری هیجده پون حساب کنید این را از روی حسابی که کردند که با کشتی که میاریم برای شن کشتی یرت که چون همیشه دریا کولاکي است دهانه یرت بزرگ میشود باید ما عملجاتمان مواظب باشیم که شن کشتی بشود دهانه صاف بشود که کشتی ها معطل نمانند پون شازده شاهي می گرفتند هر پنج من، حالا آمده ایم ما کسر کرده ایم چقدر؟ بازده قران و دو عباسی و خرواری سه قران میگیریم. مطابق این لایحه وقتی که سه قران را نسبت بدهیم به جمع تقریبی چهارده قران و دو عباسی. بنده از وزیر مالیه پرسیدم که حساب کردید چقدر عایدتشان میشود گفتند صد هزار تومان از روی خرواری سه قران عایدی داریم البته حسابی که سابق با دولت کرده اند و پون شازده شاهي را دولت حاضر شده است از روی يك مأخذی بوده است که قرار گذارده اند. کتره که نبوده، از روی يك مأخذی معین کرده اند که اینقدر خرج اداری و اینقدر عمه و اینقدر خرج شن کس و مأخذ را بزرگ کرده اند پس ما در حقیقت چهار صد هزار تومان با سیصد و پنجاه هزار تومان کسر پیدا میکنیم که خمس تقریبی میشود این از کجا باید داده شود قطعاً تخمیل بر بودجه میشود و هیچ جبهه ندارد که ما بیائیم يك همچو مبلغی را بر بودجه تخمیل کنیم چرا؟ برای چه مطابق سابق ما نمیگیریم؟ چرا دولت آمده است و این تخفیف فاحش را داده؟ همانطور مطابق معاهده ای که ما داریم معاهده ۲۱ باید یرت را تحویل بدهند مع التشرک یرت را تحویل دادند یعنی خانه خودمان را دوباره گرفتیم بسیار خوب خیلی ممنونم همان قراردادی

که آنها داده بودند از ما شن کشتی میخواهند پاک شدن دهانه میخواهند آمد و شد کشتی ها را راحت میخواهند پس بنا بر این همینطوری که آنها میخواهند خرج دارد ما نوبی جیبمان از آنجا نریزم اما از بودجه بدبخمان که نمیتوانیم يك چیزی برای آنجا بدهیم این پول را از کجا بدهیم؟ مملکتی که بعضی مالیاتها دارد که حقیقه نباید اسم آنها را برد مملکت اسلامی که مالیات رسومات میگیرد آنوقت نباید اینجا چهار صد هزار تومان پول مفت بدهد! برای چه؟ این است که بنده عرض میکنم اگر شما جزء عهدنامه نان اینطور قرار داده اید که مالیات را هم اینقدر تخفیف میدهیم برای شما بیایید بگوئید آنوقت نازه من میپرسم برای چه این يك معامله اقتصادی است! اگر قرار نداده اید برای چه این حاتم بخشی را میکنید؟ این تفاوت پیش یا افتاده است. و انگهی شما که میخواستید این کار را بکنید میخواستید اصلاً بگوئید از واردات اینقدر میگیریم و صادرات را بکلی معاف میکنیم بنده باین ترتیب مخالفم بجهت اینکه هر قدر صادرات ما ارزان شود بهتر است این اصل مسلم است میخواستید بر واردات بیفزاید. جهازات خالی هم از روی این لایحه معاف میشود در صورتیکه جهازات خالی زیاده نمی آید اینجا که اینقدر باری نیست مال التجاره آن طرف زیادتر است از کرسنوسکی و بادکوبه و اینها میآید از همان سواحل میآید که بار ببرد و همان زحمتی که جهاز بزرگ دارد جهاز خالی هم دارد مثلاً کمتر خوب چه جهت دارد که ما از جهاز خالی نگیریم؟ این یکی از چیز هائی است که در این لایحه هست حاصل بنده عرض میکنم که در این لایحه يك حاتم بخشی شده است که بودجه ما ناب تحمل آنرا ندارد بنده استدعا میکنم از آقایان که این را در نظر بگیرند که ما چهار صد هزار تومان آنجا ندهیم و این مالیات رسومات را یکسره حذف کنیم و دولت را مکلف کنیم که شدیداً تعقیب کند که ابدأ استعمال نشود. تکلیف ما این است که (هم ابرائی

هستیم و هم مسلمان) چیزی را که دنیا حرام کرده است ما جلوگیری کنیم و يك مالیات دیگر را تخفیف ندهیم. این بود مخالفت بنده و البته چون آقای وزیر مالیه تشریف ندارند آقای مخبر که اطلاعاتشان کافی است در اینجا توضیح خواهند فرمود

مخبر - اولاً این را عرض کنم که امتیازات یرت بطور يك اجازه سطحی نبود و يك امتیازی بعقبه بنده بدترین امتیازات بود بجهت اینکه امتیاز دروازه يك مملکتی را بيك دولتی دیگر داده بود و این بد امتیازی بود که کلیه ورود و صدور کشتی ها و مخصوصاً یرت بهلوی که یرت مهم ما با ارتباط خارجی بود امتیاز آن داده شده بود بدست يك کمپانی خارجی بحمدالله آن امتیاز از بین رفت و باطل شد وقتی که این یرت در دست صاحب امتیاز بود همانطور که فرمودند يك حقوق گزافی میگرفت حتی مذاکرات دیگری که در آن موقع میشدو بنده خودم داخل در آن مذاکرات بودم آنها يك نظر دیگری داشتند اول باین فکر بودند که قرار آن حق ناکس را روی نوع مال التجاره بگذارند که در حقیقت يك معاينه گمرکی برای خودشان قائل میشدند که با چه زحمتی دولت آنها را رفع کرد. يك حقی میگرفتند اول برای مخارج اداری بعد برای مخارج یرت و نگاهداری آن. سیم برای استهلاك سرمایه کمپانی از وقتی که آن کمپانی بهم خورد و اصول رژیم دولت روسیه تغییر کرد حقی را که میگرفتند باین مبلغ ها نبود پون سه شاهي میگرفتند مطابق صورت دفتری که اخیراً اعضاء در اداره یرت داشتند پون سه شاهي میگرفتند و ازین مبلغ مخارج اداری را منظور میکردند ما بقی را بمصرف يك مریضخانه و مدرسه ای که خودشان داشتند می رساندند بعد که این یرت منتقل بدولت شد در صد بر آمدند که يك صورت صحیحی از جمع و خرج آنها پیدا بکنند صورت کامل نتوانستند بدست بیاورند همینقدر چیزی که تخمیناً معلوم شد خرواری سه قران تقریباً

معادل همان پوتی سه شاهی میشود برای مخارج اداری مأمورینی که باید پرت را مواظبت بکنند و ناکس بگیرند و کشتی ها را مراقب باشند ماهی قریب هزارو پانصد تومان سالی هیجده هزار تومان بودجه آنها میشود و در سال برای مصارف شن کشی و پاک کردن پرت هم قریب شصت هفتاد هزار تومان مخارج دارد از روی میزان صادرات و واردات این پوتی سه شاهی سالی بیش از این مبلغ ها نمی شود. پس این که فرمودید بودجه چهار صد هزار تومان دارد اینقدر ها نیست دولت هم ناچار است که یکسال عمل بکند تا یک میزان بدستش بیاید و چون صورتهای صحیح از سابق ندارند تخمینی است و باید یکسال عمل کند ولی قدر متیقن این است که از خرواری سه قران علاوه لازم نخواهد شد اگر مخارج اتفاقاً زیاد شد دولت می آید پیشنهاد میکند که ناکس را ترقی بدهید اگر مخارج کمتر شد اجازه دارد که کمتر بگیرد ممکن است در یکسال کولاک و بر هم خوردگی دربار زیاد تر باشد البته مخارج شن کشی و پاک کردن زیادتر است در یکسال ممکن است چوبهای بندر بیوسد مخارج زیاد شود و بعضی سالها هم ممکن است مخارج کمتر بشود ولی روی هم رفته آنچه معین شده است با این میزان خرواری سه قران چیزی بیبودجه دولت تخمیل نخواهد شد و اینکه فرمودند جهازات خالی را چرا معاف بکنند عرض کردم این يك راهی است ، يك اقدامی است تاسیسی است که دولت برای ترویج تجارت میکنند ما اگر نتوانیم اصلاح کنیم خیلی بهتر خواهد شد. با چرا راه را چرا موقوف کردیم برای اینکه کمک به تجارت کرده باشیم اینجا هم دروازه مملکت است دروازه مملکت باید با اختیار خود مملکت باشد ولی آزادانه همه بیایند و بروند منتها ما کاری بکنیم که ضرری متوجه ما نشود اما دیگر معاف نکردن کشتیهای خالی این يك تخمیل فوق العاده است زیرا يك کشتی خالی که نه بار میآورد و نه بار میرد اینقدر هم احتیاج

نخواهد داشت بآب بنشیند که استفاده از بندر بکند این است که آن کشتی ها که حمل مال التجاره میکنند و استفاده از بندر میکنند البته باید يك ناکسی بدوات بدهند و آنهایکه استفاده نمیکند نباید حق بدهند و گرفتن باج از آنها یکقدری بنظر زیاد می آید جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - کافی است؟ (بلی) پیشنهادها قرائت می شود (شش فقره پیشنهاد بشرح آن قرائت شد)

پیشنهاد دکتر طاهری

پیشنهاد میکنم آخر ماده اول اضافه شود - و عایدات حاصله هر محل صرف تاسیسات و تعمیرات بنادر و لنگرگاه های همان محل خواهد شد.

پیشنهاد احتشام زاده

پیشنهاد میکنم در ماده اول عبارت (بارگیری یا) حذف شود.

پیشنهاد کازرونی

ماده يك را بقرار ذیل پیشنهاد میکنم در بنادر و لنگرگاه های که برای تسهیل و امکان رسیدن و اتصال کشتی های آتشی و بارگیری و پیاده کردن اموال در آنها و از آنها تاسیسات علمی شده باشد یا بشود از هر یکصد من اجناس وارده عوارض که حد اعلائی آن از یکصد من سه قران تجاوز نماید مأخوذ خواهد شد

پیشنهاد دهستانی

بنده پیشنهاد میکنم دو ماده اول سطر چهارم عبارت ناکسی که حد اعلائی آن حذف و بجای آن نوشته شود مبلغی که از سه قران تجاوز نماید بعنوان عوارض بندری مأخوذ خواهد گردید.

پیشنهاد ضیاء

پیشنهاد میشود که حق اخذ این مالیات شامل نقاطی است که مؤسساتی دایر میباشد و نقاط دیگر که لنگرگاهی ساخته نشده مشمول این قانون نخواهد بود

پیشنهاد مدرس

پیشنهاد میکنم بعنوان نبره ماده اول نوشته شود

بارگیری شامل وارد و صادر میباشد

رئیس - ماده دوم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - جهازات مشروحه ذیل از پرداخت عوارض بندری معاف است.

۱ - جهازات بحریه جنگی دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران و جهازات جنگی دول خارجه که اجازه ورود به بنادر ایران داشته باشند و هم چنین جهازات مریضخانه و صحیه

۲ - جهازات متعلقه با ادارات گمرکات ایران

۳ - جهازاتی که ظرفیت آنها از دوازده خروار (چهار تن) کمتر باشد

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده عقیده ام این است که این ماده دوم زیاد است آقای مخبر محترم توضیح دادند که ما از کشتی هایی که بار نداشته باشند چیزی نمیگیریم در صورتیکه شما از کشتیهایی که بار ندارد چیزی نمیگیرید این استثناء کجا داخل بوده که شما خارج کرده اید مقصود این است که از مال التجاره وارده و صادره فلان مبلغ گرفته شود اگر مقصود این است پس جهازات اعلیحضرت شاهنشاهی و جهازات جنگی دیگران با دولتی دیگران یا جهازات گمرکی که مال التجاره ندارد از آنها چیزی نمیگیریم یعنی چه؟ یا فلان مقدار زیاد تر بشود چیزی نمیگیریم و مستثنی است یعنی چه؟ اگر مال التجاره دارد باید بدهد. اگر ندارد که شما ذکر کردید از او بگرفته اید حق ندارید. استثناء چرا کرده اید بنده پیشنهادی که کرده ام اگر مخبر محترم توجه فرموده باشند اینطور بود که حقوقی که میگیرند اولاً منحصرأ از واردات باشد صادرات را باید مستثنی کنیم بنده نمیدانم اینهمه صحبت اقتصاد. بهبودی حال مردم، رفع فقر از مردم که میداریم کجا باید اینها مصداق پیدا کند؟ کجا اساسش باید ظاهر بشود؟ تمام اینها مراکزت پیدا میکند در کثرت صادرات

در مقابل واردات. مرکزش آنجاست، تشخیص آنجاست مملکت فقیر است یا غنی آنجا معلوم میشود. یعنی چنانچه صادرات ما فزونی داشت ما غنی هستیم اگر واردات فزونی داشت ما فقیر هستیم. این يك اصل کلی است و یکی از دلایلی که گمرک را روز اول تاسیس کردند این بود که معارضه بکنند واردات با صادرات، از صادرات مملکت حمایت بکنند. بنده عرض میکنم یکی از موارد حمایت از صادرات مملکت اینجاست. بایستی حق لامکان کوشش کرد از هر گونه عوارض و تخمیل معافش داشت که بتواند با امتعه دیگران مقابله کند. بیشتر صادر بشود. بنده پیشنهاد کردم که منحصرأ حقوقی که گرفته میشود از واردات باشد و از صادرات نباشد و آن از مال التجاره هایی گرفته شود که در کشتی های آتشی وارد میشود زیرا کشتی های باقی مال التجاره ای که قابل باشد نمی تواند حمل کنند، بارها نمیروند، با فریقا نمیروند، به هندوستان نمیروند، به چین نمیروند، فقط از يك بندر کوچکی ببندر کوچک دیگر میروند آنها يك جهازات و قابلهای کوچکی هستند که چندان محل اعتنا نیستند و پنج تن شش تن هم که فرضاً بارگیری داشته باشند وارد میشوند و اینها هیچ احتیاج به پرت ندارند با نبودن پرت هم وارد میشوند! پرت که برای تسهیل امر آنها نیست. بنا بر این چون شامل آنها نمیشود باید معاف باشند فقط بایستی از کشتی های آتشی گرفته شود پس بنابر این وقتی که باشد که منحصرأ از کشتی های آتشی گرفته شود و نیز منحصرأ از مال التجاره های وارده گرفته شود و بعقیده بنده ماده دوم زیاد است.

آقا سید یعقوب - چه گفتی؟

مدرس - خوب گفت.

کازرونی - توجه نکردی. چکار کنی؟

آقا سید یعقوب - گول نخورد آقا. والله گول می

زند مدرس.

رئیس - آقای باستانی

باسائلی - آقای کازرون فرمودند که ماده دوم زاید است از نقطه نظر اینکه کشتی هائی که در ماده دوم اسم برده شده باید اجناسی در او نباشد که بیاورند اینجا استثنا کنند ولی ایشان يك طرف قضیه را خواندند یعنی ممکن است کشتی جنگی نخواهد کسی را پیاده کند ولی ممکن است که بارگیری کند، کشتی راجع به صحیه ممکن است از همان بندر بو شهر جناب عالی يك چیزهائی برای صحیه بخواند ببرد بیک بندر دیگر و بارگیری هم داشته باشد در هر حال استثنای این کشتی ها بعقیده بنده چیز مضری نیست و ضروری بجائی نمیزند بر فرض اینکه خالی هم باشد در هر صورت از نقطه نظر تقشیش از نقطه نظر حفظ اسرار نظامی کشتی جنگی نظامی را نباید امین مالیه برود ببینند تویس چیست بیش از این هم عرضی ندارم.

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - بنده در این قسمت ماده دوم که راجع به جهازات جنگی خارجه عرض کردم آقای آقا سید یعقوب نمایندنده محترم يك توضیح خیلی مختصری دادند که قانع کننده نبود در اینجا نوشته شده است: جهازات جنگی دول خارجه که اجازه ورود به بنادر ایران داشته باشند. این اجازه ورود را کسی باید بدهد. اگر چنانچه عبارت بهمین اندازه باشد بعقیده بنده مجال میدهد بهر دولتی که با يك مساعدت و کمکی اجازه بدهد که کشتی های جنگی بی ربط وارد شوند بابهای ایران یا خارج بشوند در حالتیکه بعقیده بنده ورود کشتیهای جنگی در آبهای يك مملکتی بیکی از سه راه باید باشد. بکوقت دوات و مجلس شورای ملی می آیند با هم توحید نظر میکنند صلاح میدانند کشتی های جنگی این مملکت در آبهای يك مملکت خارجه وارد شود و کشتی های جنگی آن دولت هم در آبهای ایران وارد شود این يك موضوع موضوع دیگر این است که در موقع فوق العاده البته مجلس باید اجازه بدهد که کشتیهای جنگی

بطور فوق العاده وارد در آبهای مملکت بشود. یکی دیگر آقا این است که يك قانون بین المللی در این خصوص وضع بشود مثل قانون بین المللی هوا پیمائی که آوردند در مجلس و نمیدانم کجا دفن شد و اصلاً از بین رفت در حالتیکه بی نهایت ایران محتاج است که وارد شود در يك چنین اتحادیه که تکلیف هوا پیمائی او معلوم شود. مثل با اتومبیل رانی بین المللی که امروز بین آقایان توزیع کردند و من میدانم که این هم مثل هوا پیمائی بین المللی دفن خواهد شد. ممکن است بکوقت دیگر هم يك همچو لایحه بین المللی پیش بیاید در تحت يك موادی برای اینکه روز بروز روابط ملل با یکدیگر بیشتر میشود ممکن است يك روزی پیش بیاید اتحادیه های بین المللی قوانینی وضع کنند که کشتیهای جنگی در يك مراحل مثلاً بتوانند در آبهای یکدیگر وارد بشوند باز هم محتاج تصویب مجلس شورای ملی است اما بنده با این درجه از ابهام مقتضی نمی دانم و پیشنهاد می کنم حذف شود. کشتی های جنگی ایران کشتی های صحیه کشتیهای کوچک معاف ولی اگر دولت لازم می داند يك قانون علیحده می آورد در مجلس و مجلس تصویب می کند.

مخبر - اولاً اگر آقای آقا سید یعقوب جواب مقتضی ندادند برای این بود که موضوع راجع به ماده دوم بود و آنوقت مذاکره در ماده اول بود. ثانیاً در اینجا هیچ مذاکره اجازه ورود کشتیهای جنگی خارجه به بنادر ایران نیست ما میخواهیم در بنادر خودمان که ساخته میشود يك نا کسی بگیریم. ورود کشتیهای جنگی باین مسائلی که فرمودید مربوط نیست خلاصه این بود در صورتیکه مجلس شورای ملی اجازه بدهد وارد شوند شق اول و دوم و سوم و اینکه بونگرس دفن شد و کشتی های جنگی هم بیاید غرق میشود اینها مربوط به اینجا نیست. کشتی های جنگی دول خارجه مثل سفارای آن دول همان احترامات را دارند يك وزیر

مختاری اگر وارد بشود در يك مملکتی احترامات دارد نباید مالیات بدهد در سرحد هم از او احترامات بکنند کشتی او هم همین حکم را دارد وقتی که مابین دو دولت يك عهد نامه مودت برقرار باشد و اجازه پذیرفتن وزیر مختار و سفیر داشته باشند کشتی های جنگی هم همین حال را دارد تا وقتی که ما بین دو دولت يك قراردادی نیست. اصلاً کشتی جنگی حق ورود ندارد و ممکن است مابین دو دولت عهد نامه مودت برقرار باشد کشتی های تجارنی آنها هم رفت و آمد میکنند ولی کشتی های جنگی آنها ابدأ حق رفت و آمد ندارند مگر بموجب اجازه مخصوصی. این هم که در اینجا ذکر شده است اینطور است که اگر يك چنین اجازه داده شد البته آن احترامات لازمه کشتی جنگی در حق او بعمل بیاید که یکی از آنها هم معافیت از ناکس بندری است سایر شرایط مربوط بقانون دیگری است و به این قانون مربوط نیست که اساساً ما وارد شویم. اینجا فقط آن حقی که اساساً برای يك نماینده دولتی هست و کشتی نظامی او هم مثل نماینده او حق نمایندگی آن دولتها دارد برای او قائل شده ایم و بهمین اندازه است و بنده ایرادی در اینجا نمی بینم

بعضی از نمایندگان - کافی است

رئیس - آقای کازرون

کازرون - موافقم

رئیس - آقای مدرس

مدرس - عرض کنم آقای کازرون فرمودند بنده عقیده ام این است که ماده دوم زاید است با اینکه من عقیده دارم که باید تمام کشتی های جنگی را تجلیل کرد اما اگر يك کشتی جنگی وارد شد هزار من قند آورد و ده هزار من برنج هم خرید این را باید از ناکس گرفت یا نه؟ اگر شما میگوئید نباید گرفت این هیچ فلسفه ندارد (بعضی از نمایندگان - قاجاق است) زیرا در حقیقت لغو ماده اول است بواسطه اینکه

ما میخواهیم بگوئیم مال التجاره را باید ناکس گرفت و خرج بندر کرد. شما میفرمائید اگر کشتی جنگی وارد شد و مال التجاره آورد و برد چیزی از ناکس نگیرند بنده عقیده ام این است که هیچ فلسفه ندارد. یا کشتی صحیه بهمین قسم اگر اسباب صحیه را خواست ببرد آن مستثنی است و سر جای خودش است. اما اگر کشتی صحیه برنج و شکر و قند آورد نباید ناکس از ناکس گرفت؟ این فلسفه ندارد. لهذا عقیده بنده این است که اگر آقای مخبر و آقایان موافقت بفرمایند و این ماده دوم را بپندارند هیچ بار کشتی جنگی که وارد میشود مال التجاره نمی آورد. و اگر این ماده را بگذارند مال التجاره میآورند و این ماده را هم دلیل میگیرند بر اینکه نباید ناکس بدهند. لهذا بنده این ماده را مضر میدانم مضر است.

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

رفیع - يك مذاکرانی میشود روی این لایحه که ابدأ انتظار نداریم در صورتیکه حقیقتاً و مخصوصاً این قراری که در اینجا راجع به کشتی جنگی خارجه نوشته است همه آقایان البته میدانند که پادشاه يك مملکتی ممکن است برود بیک مملکت دیگر برای گردش یا ممکن است مهان باشد و البته پادشاه یا رئیس جمهور با کشتی جنگی می آید همینطور که آقایان میدانند يك قانون نواقلی که برای شهرها نوشته میشود يك مستثنیاتی از این قبیل قائل میشوند در این قانون هم برای رعایت احترامات آنها يك مستثنیاتی نوشته شده است که يك کشتی جنگی که وارد میشود با اجازه مخصوص البته باید از او رعایت احترام بشود. صحیه در تمام دنیا مستثنی است شیر و خورشید سرخ مستثنی است کشتی پادشاهی مستثنی است این دیگر مذاکره ندارد بکنفر نیست که تصور کنند کشتی جنگی يك دولتی قند می آورد! ما باید حفظ شوئلت خودمان را بکنیم. اگر تصور کنید که يك کشتی صحیه شاید يك

همچو کاری بکنند فوراً میگویند قاچاق است همان معامله ای که با کشتی قاچاق خواهد شد یا آن هم خواهد شد. راجع به کشتی جنگی هم هیچ فردی تصور نمیکند که برخلاف ترتیب عمل بکنند. آنها مردمان محترمی هستند ماها هم مردمان محترمی هستیم باید بآنها احترام کنیم احترام آنها احترام ماست احترام ما احترام آنهاست. اینها قابل بحث نیست.

رئیس -- آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری -- موافقم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- متأسفانه ما مردمانی هستیم که خیلی دارای حسن ظن هستیم حالا بنده بنظر مجلس نمی آورم که در چند سال قبل کشتیهایی جنگی می آمد در حسن کیاده ماهی یار میکرد و میبرد... رفیع -- معاهده نداشتید آقا.

آقا سید یعقوب -- حالا عرض میکنم، صبر کنید. من میدانم کشتی جنگی می آید در بنادر بوشهر قند را خالی میکند مبرود...

موقر -- همچو چیزی نیست آقا

(صدای زنگ رئیس)

آقا سید یعقوب -- بنده عرض میکنم. اجازه بدهید وکیل حرف خود شرا باید بزند! پس من کجا عقیده ملیم را بگویم! هر طور حرف میزنم بمن حمله میشود!! یا از آن طرف یا از این طرف! پس من آزاد نیستم عقیده خودم را بگویم!! آقا بنده عرض میکنم این ماده را باید طوری تنظیم کرد که این ضرر بر ما وارد نشود. این احتمال را بنده میدهم يك کاری آقای مخبر محترم بکنند که بنده سوء ظن نداشته باشم که در بنادر ما باین اسم يك کارهایی بکنند و بعنوان معافیت بارهایی خالی بکنند. این گناه دارد که من جرأت نکنم بگویم که در بنادرمان میآیند چکارها میکنند؟! چیز عجیبی است!!

رئیس -- آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری -- ماده دوم این لایحه در کمیسیون بودجه و در کمیسیون قوانین مالیه هر دو مطرح شده در کمیسیون بودجه آقای آقا سید یعقوب هم تشریف داشتند که این ماده بهمین صورت تنظیم شد و ایشان آنوقت هیچ مخالفتی نداشتند. حالا اگر چنانچه این سوء ظنی که میفرمایند دارند در صورتیکه رسماً آقای رفیع اظهار کردند جهازات جنگی ممکن نیست حامل مال التجاره باشند مگر اینها برای جلوگیری از این سوءظن ممکن است يك پیشنهادی بکنند. این شور اول است. بعلاوه حالا باین ماده رأی گرفته نمیشود. این مذاکرات برای استحضار خاطر آقایان است البته هر کس هر نظریه ای دارد ممکن است پیشنهاد بکند که: کشتیهای جنگی مشروط بر اینکه مال التجاره نداشته باشند گمان میکنم ضرری نداشته باشد این پیشنهادات مبرود بکمیسیون هر کدام خوب بود قبول میکنند باز در شور دوم میآورند اینجا حالا شور اول است هر نماینده میتواند پیشنهاد کند خودش هم بیاید در کمیسیون توضیح بدهد هر کدام را کمیسیون قبول کرد می آید در مجلس مطرح میشود. این بود مقصود عرایض بنده

مخبر -- يك موضوعی اینجا مذاکره میشود که آقای دکتر طاهری در ضمن موافقت فرمودند ولی من با اظهارات ایشان هم مخالفم. بنده عرض میکنم کشتیهای جنگی اصلاً مال التجاره نمی آورند که اگر مال التجاره حل کردند مالیات بدهند بنده عرض میکنم کشتی جنگی اصلاً اجازه ورود را ندارد اگر اجازه ورود را داشته باشد تا کس را نباید بدهد

یکنفر از نمایندگان -- هیچ همچو قیدی در این جا ندارد.

مخبر -- در این ماده تصریح دارد که اگر اجازه داشته باشد. یعنی اجازه ورود ندارد اگر با اجازه آمد از این حق معاف است همینطور يك کشتیهای صحتی برای خدمت بنوع است دارای يك احتراماتی هستند

بعلاوه این بد است که بگوئیم يك کشتی جنگی وارد برت بشود ولی اگر مال التجاره بیاورد فلان. عرض کردم این شبیه است بنمایندگان که از طرف يك دولتی بیایند. مثلاً بگوئیم نماینده بیاید اما اگر مال التجاره قاچاق آورد فلان کند. این بی احترامی است نسبت بآن شخص بدیهی است اگر این کلمه نوشته شود آن ملاحظات رفع میشود و احترامات از بین خواهد رفت ما اصلاً نباید اجازه بدهیم که کشتی جنگی وارد شود چه رسد باینکه حقی گرفته شود.

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهادات قرائت میشود

(هشت فقره پیشنهاد بشرح آن قرائت شد)

پیشنهاد کازرونی

بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم حذف شود

پیشنهاد آقای دهستانی

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم سطر سوم بعد از کلمه دول خارجه نوشته شود: که قانوناً اجازه ورود به بنادر ایران داشته باشند آخر.

پیشنهاد آقای بهبهانی

تبصره ذیل را بعد از ماده ۲ پیشنهاد میکنم تبصره -- معافیت جهازات فوق در صورتی است که محمولات آن جهازات مال التجاره و اشیاء گمرکی و اشیاء ممنوع ورود نباشد

پیشنهاد آقای احتشامزاده

پیشنهاد میکنم در ماده دوم اضافه بشود: ۴ - جهازاتی که حامل صادرات ایران هستند

ایضاً پیشنهاد آقای احتشامزاده

پیشنهاد میکنم در فقره اول ماده دوم بعد از عبارت (جهازات جنگی دول خارجه که) نوشته شود مطابق قانون اجازه ورود به بنادر ایران داشته باشد

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم ماده دوم حذف شود

پیشنهاد آقای ضیاء

پیشنهاد میشود که در ماده دوم بعد از اجازه معافیت جهازات بحریه جنگی دولت شاهنشاهی ایران جمله: (وجهازات جنگی دول خارجه که اجازه ورود به بنادر ایران داشته باشد) حذف شود

پیشنهاد آقای احتشامزاده

پیشنهاد میکنم در آخر فقره ۲ ماده دوم اضافه شود بشرط اینکه حامل مال التجاره نباشند

رئیس -- ماده سوم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ -- این قانون پس از تصویب بلا فاصله به موقع اجرا گذاشته میشود و وزارتین مالیه و فواید عامه هر يك در حدود اختیارات خود مأمور اجرای آن میباشند.

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- عرض کنم اولاً يك کلمه این جا دارد که نباید در قانون وارد شود و آن کلمه «بلافاصله» است. بلافاصله یعنی در همین مجلس که هستیم و باید نوشته شود که بعد از تصویب موقع اجرا گذاشته می شود و باید سعی داشت که این کلمات که در مواقع عادی تا کیداً نوشته میشود در قانون نوشته نشود.

ثانیاً در خصوص فواید عامه است که خوب است توضیح بدهند که این کار به وزارت فواید عامه چه ربطی دارد...

یکنفر از نمایندگان -- برای تجارت است.

کازرونی -- اگر این مسئله رابطه به تجارت دارد به سیاست هم دارد، به اقتصادیات هم دارد و به تمام ادارات مربوط است و باید به آنها هم مراجعه شود. بنده عقیده ام این است که این مطلب به مالیه و گمرک مستقیماً مربوط است و من غیر مستقیم قبول دارم که این از حقوق تجارت است و بنده اینرا لازم میدانم که نوشته شود زیرا ممکن است اینهم درد زیاد کند و این

همه اختلافات بین ادارات خوب نیست.

رئیس - آقای رفیع -

رفیع این مسئله بقدری مهم است که من ناسف میخورم که امروز وزیر مالیه چرا ناخوش است و به مجلس نیامد برای خاطر اینکه اگر بود شاید از مجلس استدعا میکرد که این لایحه يك شورى بشود، نه دو شورى، عرض کنم این کلمه بلافاصله که این جا نوشته اند مال اهمیت مسئله و فوریت مسئله است که پرت را تحویل گرفته اند و الان نمیدانند چه بکنند، اگر این کلمه نبود بنده پیشنهاد میکردم که این کلمه بلافاصله نوشته شود، معنای بلافاصله این است که در همان دقیقه که تصویب شد هرچه زودتر ممکن شود تلگراف شود و عمل شود و البته عمل خواهد شد. اینکه فرمودند وزارت فوائد عامه را برای چه نوشته اند عرض میکنم اولاً مسئله مسئله نجاتی است و بعلاوه پرت به دست وزارت فوائد عامه اداره میشود و در روزنامه ها میخوانید که معارف فوائد عامه میرود که پرت را تحویل بگیرد بالاخره آقا اگر موافقت که وزارت داخله و عدلیه و خارجه و اینها را هم داخل کنند پیشنهاد کنند ما هم موافقت میکنیم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی میگیریم به شور ثانی آقایانیکه ورود در شور ثانی را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. چند دقیقه تنفس داده میشود (در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای رفیع

حاج آقارضا رفیع - بنده میخواستم استدعا کنم که اگر ممکن است همان لایحه اضافه اعتبار منحص بانك جزء دستور شود

رئیس - جزء دستور هست. ماده واحده قرائت می شود.

(مضمون ذیل خوانده شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد که بر اعتبار حقوق منحص بانك ملی مقرر در قانون مورخه یازدهم آبان ۱۳۰۶ مبلغ هشت هزار تومان علاوه منظور دارد که جمعاً اعتبار دولت برای استخدام منحص مزبور بیست هزار تومان بشود

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده هیچ مخالفت ندارم با این موضوع و فوق العاده هم موافقم و اگر بیش از این هم برای منحص معارف منحص، مترجم منحص، آرشیویست منحص بیاورند رأی میدهم. چنانچه در کمیسیون بودجه هم رأی دادم و حالا هم دولت نیست و آقایان تشریف دارند و یکمرتبه دیگر هم عرض میکنم که منتها آرزوی ملت ایران داشتن يك بانك ملی است. بنده خودم در شیراز که بودم دیدم و همه آقایان در حوزه انتخابیه خود دیده اند که پول شکسته چه بلایی بسر مردم این مملکت می آورد که در ظرف يك هفته دو قران تمام میشد يك عباسی اول کم میکردند و در یک هفته یکعباسی یکعباسی آن دو قرانی تمام میشد. پس بنا بر این اگر مجلس شورای ملی در دوره ششم موفق بشود و این يك قدم را بردارد و کار دیگر نکنند (در صورتیکه همه کارهای دیگر هم کرده است) باز کافی است. عرض کنم ما منحص میخواهیم بیاوریم دوازده هزار تومان کمش بود بسیار خوب هشت هزار تومان دیگر هم اعتبار میخواهید میدهم بسیار خوب و این منحص با لوازمش سالی صد هزار تومان برای ما تمام خواهد شد، فقط دادن همین پول برای ما خواهد ماند؟ چنانچه سابقاً هم از این پولها داده ایم مارتین و هسکل را انقدر پول دادیم و هکذا منحصین دیگر که نتیجه نگرقتیم. پس بنده

استدعا میکنم از آقایان که در این موقع که این لایحه مطرح است و هشت هزار تومان علاوه اعتبار میدهند دولت را مکلف کنید که از حالا تا سه ماه دیگر چهار ماه دیگر بنده حاضر شش ماه دیگر که این بانك را تأسیس کند، بنده هیچ در این جزئیاتش داخل نمیشوم که محل سرمایه بانك از کجا باشد از ودایع باشد و ودایع آیا به این مبلغ رسیده و انگهی ودایع مال مردم است، بنده در لایحه اضافات تمام مخالفم در این بود که بانك میخواستم، بنده از آقایان استدعا میکنم که هر کد امتنان که میخواهید يك تبصره یکپارده الحاقیه بر این لایحه اضافه کنند که دولت مکلف باشد و قانون باو حکم کند که هر وقت را میخواهید حتی بعد از شش ماه دیگر بانك را تأسیس کند، بنده حاضر رأی هم میدهم ولی بشرطی که ما بدانیم بعد از سه ماه دیگر، چهار ماه دیگر، شش ماه دیگر ما يك مؤسسه بانك داریم، و يك مؤسسه مملکتی داریم که انشاء الله با این رقابتهائی که همه آقایان میدانند مقاومت خواهد کرد و ایران از این اسارت اقتصادی نجات خواهد یافت

رئیس - آقای رفیع

رفیع - بنده خیلی متشکرم که نماینده محترم بعنوان مخالفت مسألی را که موافق باید عرض کند، بعرض مجلس رساندند و ما همه موافقیم که این بانك چقدر لازم است چقدر مردم انتظار دارند که این بانك تأسیس شود چون مردم کار هایشان راه می افتد. اما از نقطه نظر عمل و داخل شدن در مذاکره با يك منحص که شاید نماینده محترم آقای شیروانی هم که در آلمان بوده اند اطلاع داشته باشند که وزیر مختار ما يك شخصی را پیدا کرده و پیشنهاد کرده ولی اینجا در نتیجه عمل دوازده هزار تومان را کسر دیدند و آمدند بیست هزار تومان اعتبار میخواهند، آقا میگویند شش ماه دیگر بانك تأسیس شود ما موافقیم که تا سه ماه دیگر و اگر چنانچه آقا پیشنهاد کنند بنده و مجلس هم قبول میکنیم

که تا سه ماه دیگر بانك تشکیل بیاید من به آقا قول میدهم انشاء الله تا يك ماه چهل و پنج روز دیگر ما این بانك را در مرکز داشته باشیم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - اگر آقایان خاطر داشته باشند وقتی که لایحه بانك مطرح بود بنده در جواب یکی از آقایان عرض کردم اگر يك نفر آدمی را برای این کار بیاوریم که استعداد اداره کردن را داشته باشد و با ماهی هزار تومان استخدام کنیم زیاد نیست ولیکن از آنطرف آقایان میدانند که ما امروز المی بعد ها مکرراً محتاج به استخدام متخصصین خارجی هستیم اگر بنا شود برای يك بانگی که میخواهیم حالا شروع کنیم شاید تا دو سال دیگر هم تا آن اندازه که باید بتوانیم اقدام به توسعه اش بکنیم بانگی که ما میخواهیم تأسیس بکنیم یکی دو سال مطالعه لازم دارد و باید به بنشینیم که در ولایات چطور باید بکنیم و شعبش چطور باید باشد و روابط آن با بانك های خارجی چطور باید باشد؟ برای این مدت باید يك مطالعه ای بشود و فی الحقیقه این دو سال دو سال مقدمانی است پس اگر بنا باشد که ما به يك منحص سالی بیست هزار تومان بدهیم بعقیده بنده خیلی زیاد است. مسیو مولیتر و دکتر میلیپو را ملاحظه فرمائید که ما در سالی چه قدر استخدام کردیم؟ میلیپو را با آن خصوصیات که داشت سالی هیجده هزار دلار استخدام کردیم با اینکه تمام مالیه مملکت را گذار به او بود با آن اختیاراتی که به او داده شده بود که حقیقه وجودش در تمام امور مالی مملکتی مؤثر بود. حالا ما يك نفر منحص میخواهیم برای تأسیس بانك بیاوریم که او را در این مدت در کارهای مقدمانی بانك مطالعه ای بکند و يك طرح ریزی بکند بنده

عقیده ام این است که سالی بیست هزار تومان مواجب این متخصص علاوه بر این که عوارض دیگر هم خواهد داشت زیاد است و با اقتصاد با تجارت ما منافات دارد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - عرض کنم يك روز در کمیسیون بودجه صحبت شد نماینده دکتر میلیسیو به ما ایراد کرد شما در امور جزئی زیاد ایراد میکنید و در امور کلی آنقدر ایراد نمیکیند و با فشاری نمیکیند. من گفتم که این تقصیر جهت است بجهت اینکه این امور جزئی را میدانم، میدانیم، این مدیر و این منشی را میدانم، لیکن در امور کلی چون متخصص نیستیم ناچار هستیم که شما هر چه میگوئید تصدیق کنیم آقای کازرونی اینها تماماً جرمه جهل و نادانی ما است يك ملتی که نتواند مسئله بانکش را اداره کند باید متخصص بیاورد و در این جا اگر نظران باشد يك نفر از نمایان مجلس به من تذکر داد و بنده پیشنهاد کردم که این متخصص بانک باید در يك بانک مدیر باشد و ما يك مدیر بانک را از آلمان میخواهیم بیاوریم که همانطور بی سجاده رنگین کن کورت پیر مغان گوید، ما میخواهیم يك متخصص را، بیاوریم که بانک ما را اداره کند و هر چه بگوید عمل کنیم، حالا که خودمان نداریم پس باید پول بدهیم انشاء الله قدمهای علمی که بر داشتیم مدارس تجارتمان که ترقی کرد رجال عالم پیدا میکنیم و کم کم این خرجها از گردنمان می افتد. همین مدتی که مستخدمین آمریکائی این جا بودند درست است که يك مخارجی کردیم لیکن تصدیق بکنید که يك قدمهای اصلاحی و يك قدمهای اقتصادی بر داشتیم و اگر نیاورده بودیم همان حشل حف بود که داشتیم پس حالا يك قدمی که برداشته شده است تعقیب کنیم، پس ما و شما باید دعا کنیم که این کار عملی شود و اینهم که آقای بامداد فرمودند که این کار در ظرف شش ماه عملی شود چیز غریبی است که در مجلس ایراد فرمودند بجهت اینکه آقای وزیر مالیه در این موضوع

در مجلس اظهار کردند که تمام مقدمات این کار فراهم شد، است و نماینده دولت هم در آلمان است صحبت کرده است و دایع هم داریم و همانطور که آقای حاج آقا رضا اظهار فرمودند تا چهل و پنج روز دو ماه دیگر ما موفق میشویم که این کار عملی شود و آن چیزی که از اول مشروطیت آقای کازرونی اگر نظران بیاید (بنده خوب نظرم می آید) که طلبه های مدرسه کتابهایشان را بفروختند که پول به بانک ملی بدهند (نمایندگان صحیح است) طلبه های مدرسه خدا میداند که کتابهای مغنی و سیوطی شان را می فروختند برای اینکه بانک ملی درست شود. يك آرزویی که در کون ملت ایران بوده است این است که يك روز چشمشان باز شود به بینند بانک ملی دارند. بنده که برای يك تومان در کمیسیون بودجه هزار مخالفت میکنم در این جا رأی دادم چرا؟ بعلمت اینکه بنده میدانم این کار يك عاقبت خون برای ما دارد این است که عقیده دارم آقای کازرونی هم مخالفت نکنند و بگذارند بگذرد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود، پیشنهاد

آقای ضیاء

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میمادم که در آخر ماده واحده علاوه شود و دولت مکلف است که تا اول فروردین ۱۳۰۷ شعبه مرکزی بانک مزبور را تأسیس نماید.

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم دولت مکلف است از این تاریخ تا سه ماه بانک ملی ایران در طهران تأسیس گردد

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - توضیح زیادی در اینخصوص ندارم، اصل قانون چند ماه است که از تصویب مجلس گذشته و دولت

کاملاً در اینخصوص مطالعه نموده است و بعلاوه از یازدهم آبان باینطرف هم که مخصوصاً بنا به تصویب میبایستی از آلمان متخصص استخدام شود و دولت هم مطالعه زیاد کرده و نماینده ایران هم در آلمان که يك شخص با اطلاع و دقیقی است تصور میکنم مطالعات کامل کرده باشد از اینجهت شعبه مرکزی را بنده پیشنهاد کردم که از اول فروردین ۱۳۰۷ دائر شود رئیس که می آید شعبه مرکزی دائر میشود و آنوقت مطالعه میکنند در توسعه اش که باید شعبه فرعی در ولایات در ظرف یکسال دو سال چگونه تشکیل شود پس برای تأسیس شعبه مرکزی گمان میکنم مطالعات و اقدام کافی شده باشد و ممکن است تا اول سال ۱۳۰۷ دائر شود.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم که ماها نمایان نظرمان به انجام يك وظیفه است که هر قدر موضوع مهمتر باشد در آنجا بیشتر مصر و مبرم میشویم. نظرمان این نیست که دست دولت را به بندیم و دولت دستش بسته باشد و دولت را مکلف کنیم به چیزی که نتواند از عهده بر آید. اینکه بنده پیشنهاد کردم سه ماهه باتوافق نظر رفقا بود برای اینکه دولت کاملاً موفق شود این کار را بکنند و دولت تمام کار هایش را هم کرده برای اینکه همانطور که اظهار شد مدتی است قانون بانک گذشته و با متخصص هم مذاکره کرده اند و حتی شنیده ام که متخصص را هم خواسته اند و نظامنامه بانک را هم خوشبختانه با آن شخص مهم اقتصادی آلمان که به سیاحت ایران آمده بود مشورت کرده اند و نوشته اند بنا بر این در ظرف سه ماه دولت میتواند با کمال رفاهیت شعبه مرکزی بانک را تأسیس کند و در خصوص شعب هم پیشنهاد نکردیم برای اینکه کاملاً دست دولت باز باشد که هر وقت خود آن متخصص نگاه کرد و مقتضی دانست از نقطه نظر الاهم فلاحی شروع کند به تأسیس شعب

ایالات و ولایات. این بود نظر من.
فیروز آبادی - پیشنهاد بنده خوانده نشد
رئیس - نسبت به این دو پیشنهاد حرفی دارید؟
فیروز آبادی - خیر.
رئیس - آقای روحی
روحی - موافقم
رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض کنم در عین حال که بنده موافق هستم این قانون هرچه زودتر اجرا شود و بانک تأسیس شود و باید پیشنهاد کرد که در ماه، يك بیست روز هرچه زودتر بشود این قانون را اجرا کنند ولی در عین حال نباید يك موعده معینی را معین کنیم و در قانون قید شود میخواهیم به بینیم که اگر اینجاما قید کردیم که سه ماه یا اول فروردین این کار بشود اگر اول فروردین پنجم فروردین شد آنوقت بانک نمیخواهیم؟ اینرا که بالاخره ما باید مقرر باشیم و اقرار داریم که مجلس شورای ملی اهمیت میدهد به این مسئله ملت ایران همینطور دولت هم کیست؟ دولت نماینده خودتان است خودش اهمیت میدهد به این مسئله و اظهار داشته است که هر چه زودتر ما میخواهیم این کار عملی شود و حالا اگر ما موقع معین کنیم سه ماه دیگر، يك ماه دیگر شاید عملی نشود و نتواند این کار را بکند، در هر حال ما بانک را میخواهیم و به دولت هم تذکر میدهیم که تمام این پیشنهادهایی که آقایان میکنند بمنزله تذکر به دولت است که دولت بداند تا چه اندازه مجلس انتظار دارد که دولت اهمیت به این کار بدهد و بنده عقیده دارم که پیشنهاد را پس بگیریم و دولت خودش موافقت میکند یا اینکه تا بیست روز، یکماه دیگر این بانک تأسیس شود.

رئیس - آقای خبیر؟

دکتر ظاهری (خبیر) - بنده واگذار میکنم به خبیر

اصلي آقای شیروان .

شیروان - بنده از این مطلب سابقه ندارم .

دکتر ظاهری (مخبر) - این موضوع که اگر مدت برای او قرار دهید باید دولت موافقت کند ، اگر دولت موافقت کند کمیسیون مخالفتی ندارد و کمیسیون میخواهد هر چه زودتر بانک تأسیس شود

رئیس الوزراء - تا بحال چندین مسئله از این مسائل اقتصادی که تازه ملت و دولت ایران میخواهد موجبانش را فراهم کند با قید دقت از مجلس گذشته و هیچ کدامش هم در آن موعد صورت نگرفته است . بنده خیلی خود داری دارم که تعهدی بکنم که خدای نخواستہ بتوانم از عهده انجامش بر آیم شما بانک میخواهید دولت هم والله بالله بانک را میخواهد اما چه باید کرد ؟ پیدا کردن متخصص ، پیدا کردن آدم مناسب ، پیدا کردن سرمایه بانک و نوشتن نظامنامه بانک و ساختن بانک را طوری که بسرد این مملکت بخورد این ها يك چیزهای بدیهی نیست که نوبی کتابچه نوشته باشد که ما برویم بخوانیم و عمل کنیم همانطور که اطلاع دارید ما به آلمان نوشته ایم که يك نفر متخصص برای بانک استخدام کنند و برای اینکه بی مطالعه این کار نشود برای ما نوشتند که يك نفر متخصص اقتصادی کامل العیار خودش حاضر شده است بخرج خودش بیاید اینجا وضع شما و ترتیب شما را به بیند ، حاجات شما را به بیند ، راه و چاه مسئله را بفهمد آنوقت يك آدمی به شما پیشنهاد کند که بتواند از عهده خدمات شما بر آید . ما دیدیم این حرف خیلی منطقی است اگر امروز بکنفر آدم را معین کرده بودند و او آمده بود اینجا الان ما سه ماه پیش بودیم اما دیدیم این حرفی که میزنند منطقی است و صحیح می گویند و ما خودمان هم که يك همچو متخصصی نداریم که اولاً سرش بشود و ثانیاً محل اعتماد باشد این بود که قبول کردیم که يك نفر آدمی را که می گویند بیاید اینجا و مطالباتی بکند چه از برای

متخصص اقتصادی که برای منظور دیگر میخواهیم و هم برای متخصص بانک که يك مطالعه صحیحی بعمل آمده باشد که مثل متخصص ذوب آهن نشود که ما يك مهندس ساختن کارخانه ذوب آهن خواستیم یکسال و چیزی است که آمده و اینجا بیکار نشسته است بعد ما باید برویم يك معدن شناس بیاوریم تجزیه کار بیاوریم که اول معلوم کند که معدن آهن ما کجا است سوختش کجا است آنوقت برویم دنبال ساختمان آهن . بنده استدعا می کنم از آقایان که مطمئن باشند که هیچوجه من الوجوه کوتاهی یا تأخیر یا تأمل در این کار نمیشود اگر بیست روز نشد . يك ماهه یا دو ماهه هر چه زودتر ما تعیین این است که متخصص بیاید و بانک دائر شود و اگر بنا شود يك مدت معینی را معلوم کنید بنده می ترسم که خدای نخواستہ آن موقع با مقتضیات موافقت نکند .

بامداد - مدت را زیاد کنید! قبول میکنیم

ضیاء - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید

ضیاء - بنده وقتی می بینم که آقای رئیس الوزراء اطمینان میدهند که سعی خواهند کرد که هر چه زودتر بانک دائر شود بنده پیشنهاد را مسترد میدارم

رئیس - رای گرفته میشود بقبال توجه بودن پیشنهاد آقای بامداد ...

بامداد - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - برای پس گرفتن است ؟

بامداد - بلی

رئیس - بفرمائید .

بامداد - بنده می ترسم که خدای نخواستہ این پیشنهاد رد بشود و بنده هم چون ایشان فرمودند هر چه زود تر دائر خواهد شد اکتفا میکنم و بهمین دلیل پس میگیرم

رئیس - پیشنهاد آقای روحی .

(بنحو ذیل خوانده شد)

دولت مکلف است که پس از افتتاح بانک شش ماه بعد شعبات بانک را بدو در ایالات خراسان ، آذربایجان ، کرمان دایر نماید

رئیس - گمان میکنم این پیشنهاد راجع به اینجا باشد راجع به اصل قانون است

مخبر - در اصل قانون بانک این مسئله هست

رئیس - پیشنهاد آقای عمادی

(اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده ضمیمه شود : که دولت مکلف است از تاریخ تصویب تا سه ماه در طهران و در ایالات و ولایات بهر مقداری که متخصص صلاح بداند بانک را تشکیل نماید

رئیس - اینهم راجع به اینجا نیست .

عمادی - بعد از فرمایش آقای رئیس الوزراء بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم

رئیس - پیشنهاد آقای کازرون

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که هشت هزار تومان به سه هزار تومان تبدیل شود .

رئیس - آقای کازرون

کازرون - قبلاً باید عرض کنم که اولاً در مجلس اقلیت و اکثریتی نیست و ثانیاً چنانچه باشد علاقه افراد و کلاهی محترم در موضوع بانک همه متساوی است . غرض بنده این است که اگر بنا باشد از برای بکنفر متخصص که شما میخواهید

جلب کنید برای تأسیس بانک بیست هزار تومان در سال قائل شوید با ما بقی مستخدمین چه کار خواهید کرد و با يك نفر متخصص مالی که شما میخواهید استخدام بکنید که تشریفات و مقدمات آنرا آقای رئیس الوزراء فرمودند که ناچه اندازه عمیق است نسبت به چه خواهید کرد ؟ اگر این جا بیست هزار تومان دادید در بزرگ متخصص مالی که کلیه امور زندگانی جامعه را بدست

او میدهند و ممکن است يك تغییرات اساسی مهمی بواسطه حسن ظن خودش در مملکت ایجاد بکنند یا بواسطه سوء نظرش اسباب بد بختی و نکبت و فلاکت ایجاد کند چه خواهید کرد ؟ مثلاً رئیس کل گمرکات مسیومولیر يك نفر آدم صحیح العمل فعال کاری طرف اطمینان اداری است و مجرای عوائد ما از امروز و ما بعد اولاً و با لذات گمرک است و او هم یا نهایت خوبی دارد اداره میکند من بعد با او چه خواهید کرد ؟ و همچنین چنانچه عرض کردم بعد از این هر روز مکرراً شما محتاجید که متخصص از خارجه بیاورید اگر بنا شود که شما يك مرتبه طرف افراط بروید بهتان تذکر میدهم که دچار اشکال خواهید شد و همین توقع را آنها هم از شما خواهند کرد و بالاخره از عهده بر نیایید و در بین راه باز میانید . بنده عقیده ام اینست که آقای رئیس الوزراء توضیح بدهند که چگونه شد که نتوانستند با سالی دوازده هزار تومان این متخصص را استخدام کنند و بجه دلیل به بیست هزار تومان قائل شده اند آیا ایشان میخواهند رئیس کل بانک دولتی آلمان را بیاورند البته ما بکنفر متخصص که بتواند يك بانک ابتدائی را عجالاً برای ما اداره کند بیشتر لازم نداریم و گمان نمیکنم بیش از دوازده هزار تومان لازم داشته باشد و چگونه شد که موفق نشدند به دوازده هزار تومان يك توضیحانی بدهند و يك قدری مطالعه بکنند در هر صورت عقیده من این است که این مالاً بسیار بد است

رئیس - آقای رفیع

رفیع - اولاً آقا بدانند که مجلس عبارت از اکثریت و اقلیت است مجلس که اقلیت و اکثریت ندارد مجلس نیست . مطالب در مجلس باید مذاکره شود بحث بشود و اکثریت حکم بکنند و قاطع است ، البته مقصود آقای این بود که لایحه متخصص بانک بقدری لایحه مهمی است که در این لایحه اکثریت و اقلیت نیست بنده هم با ایشان موافقم برای اینکه همه آقایان تشخیص داده که بانک

چه قدر لازم است عرض کنم برای اینکار يك مذاکرانی شده است ، تلگرافاتی شده است شخص عمر و زیدی نیست . شخص معینی است و با او مذاکره کرده اند و اگر چنانچه برای دولت لازم بود که بیشتر از این هم پیشنهاد کند بنده باز موافقت میکردم برای اینکه این مسئله برای ما فوق العاده لازم است و باید سعی کنیم که زودتر به مقصود برسیم و برای کارهای تجارتي ما به درد بخورد و بنده تعجب میکنم از نماینده محترم که ایشان در سلك تجارند این حرف را میزنند ایشان باید موافقت کنند که يك کسی که برای ما خوب است استخدام کنیم و الا يك اشخاص کم مواجی هم هستند و میشود استخدام کرد و آورد ولي کار نمیتواند بکنند و ما که توقع داریم يك مستخدمی بیاید که بتواند کار بکند باید با حقوق او هم موافقت کنیم ، با این متخصص مذاکره شده و طی هم شده به آن مبلغ خوب است مذاکرات را هم خاتمه بدهیم و رای بدهیم و برود بی کارش .

مخبر - برای استرضای خاطر آقای کازرون عرض می کنم که این يك اعتباری است برای دولت نه اینکه حقوق معین باشد و ممکن است با يك مبلغ کمتری استخدام شود

کازرون - آقا فرمودند که قطع شده است .

مخبر - خیر اعتبارات و بعلاوه متخصص اقیمت کم معنی ندارد زیرا که شخص ارزان قیمت برای این کار خوب نیست و اگر بخواهیم برای حقوق این متخصص صرفه جوئی کنیم به درد این کار نمیبخورد و بعلاوه در قانون یازدهم آنان مخصوصاً به پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قید شده که این شخص باید مدیر يك بانگی باشد که قبلاً در بانك عمل کرده باشد و بیاید اینجا و کار کند بعد از آن قانون مذاکره کردند که چنین متخصصی که در نظر گرفته شده است به آن مبلغ دوازده هزار تومان راضی نیست خودش هفده هزار تومان در آنان مواجب دارد

این است که دولت تقاضا کرده است که هشت هزار تومان دیگر اعتبار داده شود برای استخدام این شخص و از این جهت پیشنهاد آقای کازرون قابل قبول نیست و کسیون نمیتواند قبول کند .

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای کازرون .

آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای ارباب

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده واحده بعد از عبارت (برای استخدام متخصص مزبور) کلمه سالیانه مزید شود

رئیس - آقای ارباب

ارباب کیخسرو - البته مقصود معلوم است ولی این عبارتی که در این جا نوشته است يك قدری مطلب را در هم پیچیده است ، اینجا نوشته است مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد که بر اعتبار حقوق متخصص بانك ملي مقرر در قانون مورخه یازدهم آبان ۱۳۰۶ مبلغ هشت هزار تومان علاوه منظور دارد که جمعاً اعتبار دولت برای استخدام متخصص مزبور بیست هزار تومان بشود . این جا جمع اعتبار را بیست هزار تومان قرار میدهد و ممکن است يك وقتی مورد اشتباه واقع شود در صورتیکه مقصود سالیانه است بنده پیشنهاد کرده لفظ سالیانه اضافه شود که بهتر مقصود را برساند

مخبر - باینکه در اینجا احاله کرده است بقانون یازدهم آبان و در آن قانون لفظ سالیانه هست معیناً برای توضیح بنده قبول میکنم

رئیس - رای گرفته میشود بماده واحده بضمیمه لفظ سالیانه . . .

فیروز آبادی - بنده يك پیشنهاد داده بودم

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی قرائت میشود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که حقوق متخصص بانك در سال شانزده هزار تومان بوده باشد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده خیلی متأسفم که در مملکتی که سالی تقریباً نود هزار تومان پول میدهیم به متخصصین خارجی خودمان نباید يك نفری را داشته باشیم که صرافی را هم بلد باشد ، بلد نباشد که پول بدهد و پول بگیرد و صرافی هم که میخواهیم بکنیم باید سالی بیست هزار تومان پول بدهیم و ده هزار تومان مخارج دیگر او و ده هزار تومان هم خرج اداره شخص او که چهل هزار تومان بدهیم برای اینکه يك کسی بیاید برای صرافی من خیلی از این کار متأسفم و نمیدانم این جوانهای ما که میروند اروپا چه کار میکنند باز هم عقیده دارم که از این اشخاصی که در بانکهای این جا کار میکنند و مستخدم این بانکها هستند و تعلیماتی لابد گرفته اند اگر از این اشخاص هم استخدام کنیم بهتر است که خود آنها لاقول يك چیزی بفهمند چیزی که هست میفرمایند اطمینان نداریم این هم بواسطه مجازات ممکن می شود و اطمینان هم پیدا میکنیم ولی چون در مملکت ما مجازات اجرا نمیشود هر کس دزدی کرد هرود بی کارش . حالا از آنها گذشته این جا مذاکره شد این شخص را که میخواهیم استخدام کنیم سالی هفده هزار تومان در آنان حقوق میگرفته است بنده عرض میکنم که بنده شانزده هزار تومان پیشنهاد کردم و تقریباً سالی چهار هزار تومان شاید مخارج خصوصی این شخص می شود ، اجاره خانه ، سوخت و غیره که وقتی آنها اضافه شود در واقع بیست هزار تومان میشود . باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم که شانزده هزار تومان حقوق او و چهار هزار تومان هم که سالیانه مخارج خصوصی او میشود آنوقت همان بیست هزار تومان خواهد شد و امیدوارم که این پیشنهاد را قبول کنند و این کار

تمام شود .

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - آقای فیروز آبادی اغلب در این مواقع يك پیشنهاداتی میدهند و قصدشان هم این است شاید انشاء الله طرف قبول کند ، این قضیه از طرف دولت مذاکره شده است و بالاخره آن شخص هم با آن ترتیب قبول کرده است و متخصص بانك هم صراف نیست و يك معلوماتی باید داشته باشد و از نقطه نظر عدم اعتماد هم نیست بعقیده بنده افرادی که بخدمت دولت مشغولند هم طرف اطمینان مجلس و دولت هستند ، باید يك متخصصی آورد که بتواند بانك را اداره کند و بالاخره پول را نباید دست يك اشخاصی داد که مثل بانك سابق بشود و خیال میکنم حضرتعالی هم نظر آن همین باشد و البته نظر اصلاحی در کار دارید ، يك چیزی قطع شده است و باید موافقت کنید .

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد ، رای گرفته میشود به ماده واحده با اوراق بضمیمه لفظ سالیانه ، آقایانیکه تصویب میکنند اوراق سفید میدهند .

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده هفتاد و هفت ورقه سفید شماره شد)

رئیس - عده حاضر ۸۹ تا ۷۷ رای تصویب شد .

اسامی رای دهندگان

آقایان : محمد تقی خان اسعد - دیوان بیگی - روحی - میرزا عبدالحسین - مولوی - وزیر - ارباب کیخسرو - ملک آرائی - سهراب خان ساکنیان - دکتر مصدق - کازرونی - مفتی - ثابت - اعظمی - امیر اسدالله خان عامری - اسکندر خان مقدم - ابراهیمی - میر ممتاز - دکتر رفیع خان امین - فرشی

تقی زاده - حق نویس - سید جواد محقق - دکتر
 لفهان - نجومی - وکیل طباطبائی - فهیمی - اسکندری
 ضیاء - نگهبان - معظمی - آقا زاده سبزواری - جوانشیر
 افشار - ملک ابرج میرزا یور تیمور - خواجهوی -
 حیدری - عراقی - یاسائی - اعتبار - سید حسین آقاییان
 زوار - افر - موقر - مهدوی - فومنی - دهستانی
 محمد آخوند - آیه الله زاده اصفهان - ثقة الاسلامی -
 جمشیدی - امام جمعه اهر - شیخ الاسلام ملایری -
 طباطبائی دیبا - عباس میرزا - حاج آقا حسین زنجانی
 میرزا محمد تقی بهار - کلایی - آیه الله زاده خراسانی -
 بدر - جلائی - خطیبی - بامداد - ملک مدنی - محمود رضا
 اسفندیاری - بالیزی - حاج آقا ضار فوج - فرهنگدولت شاهی
 دکتر هادی طاهری - جهان شاهی - احتشام زاده - عمادی
 نوبخت - سلطانی محمد خان عامری - عصر انقلاب

رئیس - چون نوبه کمیسیون مرخصی امروز منقضی
 می شود اجازه میفرمائید چند فقره خبر رسیده است
 قرائت شود (نمایندگان - صحیح است) خبر مرخصی آقای
 حاج میرزا حبیب الله امین

(اینطور خوانده شد)

آقای حاج میرزا حبیب الله امین نماینده محترم بواسطه
 کسالت مزاج از اول آذرماه املی بیست و یکم آذر تقاضای
 مرخصی نموده کمیسیون بواسطه موچه بودن عذر نماینده
 محترم ۲۱ روز مرخصی نماینده محترم را تصویب و خبر
 آنرا تقدیم میدارد مخبر کمیسیون حاج میرزا مرتضی

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - رأی گرفته می شود به مرخصی بیست و یک

روزه آقای حاج میرزا حبیب الله امین آقایانیکه موافقتند
 قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر مرخصی آقای ذوالقدر

(مضمون ذیل خوانده شد)

آقای آقا شیخ محمد تقی ذوالقدر نماینده شیراز برای
 مسافرتی که برای ایشان پیش آمد نموده و مجبور بر مسافرت
 شده اند و چون در دوره ششم مجلس ایشان غیبتی نقرموده
 بودند تقاضای چهل روز مرخصی نموده کمیسیون نظربه
 اینکه نماینده محترم در دوره ششم مجلس شورای ملی
 اولین دفعه است که تقاضای مرخصی نموده مرخصی چهل
 روزه نماینده محترم را تصویب و خبر آنرا تقدیم میدارد
 مخبر کمیسیون حاج میرزا مرتضی

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی راست است آقای ذوالقدر زحمت کشیده
 اند ولی ماهی سیصد تومان حقوق میگیرند جهت ندارد
 که ماهی سیصد تومان بدهیم که ایشان بزوند ولایتشان
 خانشان زندگیشان . گردش کنند

آقا سید بعقوب - گردش زفته است

فیروز آبادی - بنده صلاح نمیدانم که آقایان
 نمایندگان اجازه مرخصی بگیرند که مبادا يك روز دو
 روز ، يك ماه حقوق آنها کسر شود

رئیس - آقای محقق

آقا سید جواد (محقق) - تعجب دارم از آقای
 فیروز آبادی که قانون اداری را هم رعایت نمیفرمایند
 و هیچ ملاحظه نمیکنند که در دو سال يك نفر نماینده
 میتواند چهل روز مرخصی بگیرد آنها برای انجام يك
 امور مهمه ملکیتی و بنده گمان نمیکنم که آقا
 مخالفت کنند.

فیروز آبادی - من هم گمان نمیکنم که حضرتعالی
 این فرمایش را بفرمائید.

رئیس - رأی گرفته میشود به مرخصی چهل روزه

آقای ذوالقدر آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر مرخصی آقای امیر اسدالله
 خان عامری

(بشرح ذیل قرائت شد)

آقای امیر اسدالله خان عامری - نماینده محترم کاشان
 بواسطه کسالت مزاج از ۱۳ آذر ماه تا سه شنبه ۲۳
 آذر ماه را اجازه مرخصی خواسته کمیسیون بواسطه
 مریض بودن نماینده محترم مرخصی ۹ روزه ایشانرا تصویب
 و خبر آنرا تقدیم میدارد.

مخبر کمیسیون حاج میرزا مرتضی

رئیس - مرخصی برای سه جلسه است. آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - چون سه جلسه است مخالفتی ندارم.

رئیس - آقایانیکه این مرخصی را تصویب میکنند
 قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر مرخصی آقای قوام

(بنحو ذیل خوانده شد)

آقای آقا میرزا ابراهیم خان قوام نماینده محترم شیراز آقای قوام میباید برای جلسه آتیه

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

قانون

هشت هزار تومان اعتبار اضافی جهت حقوق متخصص بانك ملی

مصوبه ۱۹ دیماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده واحده - مجلس شورای ملی بدوالت اجازه میدهد که بر حقوق متخصص بانك ملی مقرر در قانون
 مورخه یازدهم آبان ۱۳۰۶ مبلغ هشت هزار تومان علاوه منظور دارد که جمعا اعتبار دولت برای استخدام
 متخصص مزبور سالیانه بیست هزار تومان بشود.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه نوزدهم دیماه یکپنجاه و سیصد و شش شمسی بتصویب
 مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا